

جریمه تذکره را فقط در سال اول بگیرند و برای مالهای بعد معاف باشند .  
 وزیر امور خارجه - اینکه تا بحال بنده کمتر چیزی عرض کرده ام برای این بود که اگر توضیحی لازم می شد خود آقای مغیر بیان و دفاع میکردند ولی بنده آقایانرا توجه می دهم باینکه این يك فقره خاصی است که ما از مجلس اجازه میخواهیم و بنده از آقایان تمنا دارم که این مسئله را تمام کنند تا بعد قانون تذکره ب مجلس بیاید زیرا قانون تذکره يك قانون مصلی است و ما مشغول مطالعه در آن هستیم و از جریمه وغیر جریمه و مدت و سایر کیفیات با مطالعه کاملی عنقریب ب مجلس خواهد آمد و قبل از اینکه مسئله جریمه اجرا شود قانون تذکره ب مجلس خواهد آمد و بعقد بنده این مطلب اینقدرها قابل مذاکره نیست و خوب است آقایان زودتر تکلیفشان را معلوم کنند  
 رئیس - پیشنهادی از طرف آقای امیر احتشام رسیده فرائت میشود بشرح ذیل فرائت شد  
 بنده پیشنهاد میکنم - وزارت امور خارجه برای جلوگیری از سوء استعمال تذکره دوقرانی که مطرح است و بطور کلی هایدات را تقلیل می نماید ضمن قانون تذکره که پیشنهاد خواهد کرد وسائل و طرق تقنیی عملی پیش بینی می نماید  
 رئیس - این را جزء قانون نمیتوان نوشت این مربوط باینجا نیست  
 مغیر - بلی هر وقت قانون تذکره را آورده اند اگر بدین غفلت شده خود ایشان ممکن است پیشنهاد کنند  
 رئیس - رای گرفته می شود با ورقه باده واحده  
 آقایانی که موافقت ورقه سفید و الا ورقه آبی خواهند داد  
 (در این موقع شروع باستخراج آراء شده نتیجه بطریق ذیل حاصل گشت)  
 (عده حضار ۱۰۳ آراء سفید ۹۴)  
 رئیس - اینجا گویا اشتباه شده است یکی اضافه شمرده اند اوراق ۹۳ تا ست عده حضار ۱۰۳ با کثرت ۹۳ رای تصویب شده چند دقیقه تنفس است  
 ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
 رئیس - راپرت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای ملک التجار حاضر است آقای کازرونی (احضار برای فرائت راپرت)  
 آقای کازرونی راپرت مزبور را بشرح ذیل فرائت نمودند  
 شعبه يك به عوسه انتخابات مشهد و توابع آن رسیدگی کرده اعلان انتخابات آنجا مطابق دوسه در تاریخ بیست و چهارم محرم هزار و سیصد و پنجاه و دو موافق

چهاردهم سنبله هزار و سیصد و دو منتشر گردیده و از تاریخ چهاردهم سفر توزیع تعرفه شروع و در همان اثنا بر طبق تقاضای جمعی سه روز بر مدت دادن تعرفه اضافه گردید و از بیست و دوم میزان اخذ آراء شده است .  
 در خود شهر مشهد نه هزار و نهصد و بیست و شش ورقه تعرفه توزیع و شش هزار و سیصد و شصت و چهار ورقه رای اخذ شده و برای حوزه های جزء از قبیل آرومه ترقه - میان ولایت - شاندریز - چناران - پائین ولایت - بیوه زن و کن مکان - سرجام و درزاب - رادکان - تبادکان - جام - باخر نمایندگان اعزام مجموع تعرفه که در نقاط مذکور توزیع شده است بیست و پنج هزار و سیصد و نود ورقه بوده و از این عده بیست و یک هزار و هفتصد و هفت رای اخذ شده مجموع اوراق تعرفه که در شهر مشهد و حوزهای تابعه آن توزیع شده است سی و پنج هزار و سیصد و شانزده ورقه بوده و از این عده بیست و هشت هزار و هشتاد و یک رای اخذ شده است و از تاریخ بیست و ششم شهر ربیع الثانی مطابق سیزدهم برج قوس در مسجد کوهرشاد شروع بقرائت آراء نموده و آقای حاج ملک التجار از صندوق مشهد اطراف سیزده هزار و نهصد و سی و یک رای داشته اند  
 پس از معلوم شدن نتیجه انتخابات انجمن نظارت مرکزی مرادله در تحت نمر ۷۲ بابالت خراسان نوشته و صحت نمایندگی آقای حاج ملک التجار تصدیق و در آنرا سه اشعار داشته است هر گاه ایشان قبول نمایندگی مشهد را می نمایند اعتبارنامه مهر و امضاء شود  
 شعبه يك پس از رسیدگی به دوسه شروع بر رسیدگی بشکایات آن نمود غالب شکایات از سوء جریان انتخابات حوزه سرجام و باخرز بود است در این دو حوزه آقای حاج ملک التجار دارای شش هزار و نهصد و سی و پنج رای بوده اند شعبه ملاحظه نمود بالفرض که شش هزار و نهصد و سی و پنج رای دو حوزه از مجموع آراء ایشان (سیزده هزار و نهصد و سی و یک) کسر شود باز آقای حاج ملک التجار دارای هفت هزار و سیصد و هشتاد و شش رای بود و حال آنکه کثرت میباشد شعبه يك پس از مقایسه با ستاد مرادله انجمن نظارت مرکزی مشهد و مراسلات دیگری که از افراد اعضاء انجمن در دوسه موجود و تصدیق نمایندگی ایشان را مودمانده صحت و کالت و انتخابات و نمایندگی آقای حاج ملک التجار را تصویب و تصدیق می نماید .  
 مضافاً باینکه در سنه هزار و سیصد و يك از طرف ریاست وزراء وزارت مالیه نوشته شده بود که بانصد تومان از این پول رابعه الا - اسلامارومیه بدهند و از طرف کابینه فعلی مؤکداً نوشته شده بود که آن بانصد تومانی که قرار بود بهرین اسلامارومیه داده

نسبت راپرت شعبه راجع بشایندگی آقای سردار اسعد که از طرف آقای شیروانی اینجا مخالفت شد - حال چیزی بنده نوشته اند که سوته تها می برای ایشان حاصل شده بود و حال مخالفتشان را پس بگیرند در اینصورت گویا دیگر اشکالی نباشد  
 (بعضی از نمایندگان - صحیح است) رای میگیریم بشایندگی آقای سردار اسعد آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند  
 (اكثر نمایندگان قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شده آقای عراقی سؤالی از وزارت مالیه داشتید بفرمائید حاج آقا اسمعیل عراقی - سؤال بنده از آقای وزیر مالیه راجع بصورت صد هزار تومانی بود که برای اعانه ارومیه تخصیص داده شده بود خوب است جواب بنده را بفرمایند بعد از جواب اگر بنده ایرادی داشتم آن وقت عرض خواهم کرد  
 وزیر مالیه - در سنه تنگوزیل از طرف مجلس شورای ملی صد هزار تومان میتواند اعانه ارومیه تصویب شد بعلاوه یکصد هزار تومان دیگر هم سابقاً تصویب شده بود که بصرف ترسیده و از این صد هزار تومان پنجاه و پنج هزار و دویست و پنجاه تومان بخرج رسیده .  
 در کابینه و تروق الدوله يك وجهی بعنوان اعانه ارومیه که پنجاه و دو هزار و ششصد و هفتاد و پنج تومان و دو قران و دویست دینار بود در اداره طومانیانس امانت بود و بواسطه وضعیت تجارتخانه طومانیانس تأدی آن به تأخیر افتاد  
 اخیراً که از طرف دولت يك اقدامی برای جمع آوری حسابهای طومانیانس شد اول وجهی که پرداخته شد این پنجاه و دو هزار و کسری بود که وزارت مالیه توسط مستردانو امریکائی باهالی رساند  
 حاج آقا اسمعیل - بنده تصور میکنم جوابی را که آقای وزیر مالیه فرمودند برای قناعت بنده کافی نبود اعانه جمع شده بود که بتوسط این مستری که هر چه اسمش را بفرمایند بنده یاد نخواهم گرفت داده شده . متأسفانه این وجهی هم که پرداخته شده ب همان ارمانه که خودشان قمارت کنند ارومیه بودند داده شده است و بسلسلههای بدبخت آنجا که غارت شده اند چیزی داده نشده فقط سی و پنج یا سی و شش هزار تومان از این پول بارمانه آنجا داده شده است و بسلسلههای چیزی داده نشده  
 مضافاً باینکه در سنه هزار و سیصد و يك از طرف ریاست وزراء وزارت مالیه نوشته شده بود که بانصد تومان از این پول رابعه الا - اسلامارومیه بدهند و از طرف کابینه فعلی مؤکداً نوشته شده بود که آن بانصد تومانی که قرار بود بهرین اسلامارومیه داده

شود پرداخت شود با این حال مدتی است که خودش و سرهایش در اینجا سرگردان و معطل هستند و هنوز چیزی بایشان داده نشده است  
 وزیر مالیه - بنده خلاصه وجوهانی که خرج شده است ب عرض آقایان نمایندگان رساندم ولی جزئیات اینکجه بچه اشخاص داده شده است هنوز بصورت ریز آن بوزارت مالیه نرسیده و بنده آنصورت ب ریز تقسیم راز محل خواست امقرار است بفرستند  
 اما در موضوع آن شخص که اظهار کردند که ب موجب تصویب نامه باید با بیشتر پانصد تومان داده شود و هنوز داده نشده است علت این بوده است در موقعی که این تصویب نامه صادر شده بود هنوز محلی موجود نبود و از طرف دیگر هم اغلب آقایان ارومیه که در طهران بودند بعضی ها بدون استعناق مبالغ زیادی از دولت و مالیه دولت توقع داشتند که ممکن نبود ب آنها داده شود زیرا در آنوقت دروزارت مالیه محلی برای پرداخت این قبیل وجوه باقی نبود و بعد از اینکه این صورتهای ریز تقسیمی از محل بطهران رسیده بنده باستحضار آقایان حواهم رساندم اما این که می فرمایند همه وجه بصرانی هاداده شده است  
 رئیس - آقای سردار فاخر راجع بشکایات آباده سؤالی داشتند  
 سردار فاخر سؤالی که در آباده تأسیس شد در چند سال قبل اهالی يك قنوتی جدیداً احدث نمودند و در جمع قدیم هیچگونه مالیاتی نداشت زیرا قنوتی بوده اند که تازه احدث شده بودند اداره مالیه يك مالیاتی بر آن قنوت وضع کرد و خود اهالی هم آنوقت یعنی در اول کار رضایت داشتند و بعد بواسطه قضایائی که اتفاق افتاد يك مقداری از آن قنوت خشک شد . آنوقت مقداری از مالیات قنات خشک شده را تکمیل کردند بريك قنوتی که دارای جزئی آبی بود در صورتی که اساساً قنوت نداشتند که از قنوت جدیداً احدث مالیات بگیرند  
 اهالی مکرر در این خصوص شکایت کردند و بنده هم چندین مرتبه خاطر وزارت مالیه را متذکر نمودم و هیچ نتیجه نبخشد حالا خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که این يك اصل مسلمی است که جز مجلس کسی حق وضع مالیات ندارد  
 در اینصورت وضع مالیات چه صورتی دارد؟ و بعلاوه بچه مناسبت بعد از اینکه آن قنوت خشک بایر شده مالیات آن را بسایر قنوت تحویل میکنند و منتظریم که آقای وزیر مالیه يك جوابی مینویسند بفرمائید  
 معاون وزارت مالیه بطور کلی اینها را

مهمتر اظهار کردند برای قنوت آباده يك مالیاتی که تقریباً سه هزار و هشتصد و کسری است برقرار شده است در اوائل تأسیس اداره مالیه در چندین قبل مقداری از آن قنوت خشک شده و کسر عمل پیدا کرده است  
 اداره مالیه برای اینکه این کسر عمل را جبران کرده باشد يك تبادل نظری با مالکین قنوت کرده و بالاخره اینطور قرار دادند که يك بازو بد چندی بشود از فارس مأموری برای این کار فرستاده شد بآباده که با حضور یکمده ه نفری از نمایندگان مالکین قنوت ترتیب این کار را بدهند و کسر این مبلغ را بطور سرشکن بین آن ها مینمایند و این ترتیب هم معمول بوده است  
 آنوقت هدماز مالکین قنوت جدید الاجدث شکایت کرده اند که این نمایندگان که شاکي در طهران هستند همانهایی هستند که میگویند این نمایندگان از طرف ما نبوده است در هر صورت مراتب از اینقرار است که عرض شد  
 برای رسیدگی باین مطلب هم دستوری ب اداره مالیه فارس داده شده و مخصوصاً تا کید شده است که این تفاوت جدیداً احدثا مطالبه نکنند تا رسیدگی باین عمل تمام شود  
 سردار فاخر - خود آقای معاون در ضمن فرمایشات شان فرمودند که بدو تأسیس اداره مالیه این مالیات برقرار شده است و این بهترین دلیلی است بر این که این مالیات ها قانونی نبوده است بلکه خود مالکین حاضر شده اند که اینطور قرار دهند اداره مالیه تصور کرده که باید از این قنوت سه هزار و هشتصد تومان بگیرد حالات تمام قنوت خشک بشود و فقط يك رشته باقی بماند باز باید آن سه هزار و هشتصد تومان را بگیرد  
 این يك اصل غلطی است که برای اخذ مالیات اتخاذ شده مکرر مالکین تقاضای عسر کرده اند گمان میکنم بهترین تقاضا هم همین بوده است که از طرف اهالی شده است و بنده گمان میکنم در صورتی که حاضر باشند که از قنوت جدیداً احدثا عسر بدهند این کمترین مساعدتی است که از طرف دولت در صورت قبول با آنها می شود - حالاً دیگر بسته است به نظر آقایان و جوابی که آقای معاون وزارت مالیه خواهند داد  
 معاون وزارت مالیه عرض نمیکردم که مالیات جدیداً و در بدو تأسیس مالیه وضع شده عرض کردم برقرار شده اینها مالیاتهای بود که در بدو تشکیل اداره مالیه بر روی يك اصولی مستقر شده است ولی وضع از زمان سابق بوده است و در هر حال برای اینکه وزارت

مالیه ترتیب اثر باین شکایات بدهد حکم داده است که عیالاً مطالبه این مالیات را موقوف بدارند تا تکلیفش معلوم شود  
 رئیس - آقای رئیس التجار سردار معظم - نیستند  
 رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (ایشان هم حاضر نبودند)  
 رئیس - آقای سردار فاخر راجع به هوائد میدان آباده سؤالی داشتید به فرمائید  
 سردار فاخر - اگر چه به تجربه ثابت شده است که سؤال هیچ فایده ندارد برای این که در مذاکره که می شود وکیل حق دارد دومرتبه سؤال کند ولی جوابی که به او داده می شود او را قانع نمی کند  
 این سؤالی که بنده حالا می خواهم عرض کنم عیبتر از سؤال اولی است يك مالیاتی بعنوان مالیات میدان و قبان در آباده بگیرند - باین ترتیب که هر قسم جنس که از اطراف وارد میشود در يك میدانی میبرند و يك مالیاتی از آنها میگیرند و بعد اجازه فروش می دهند حتی از تمام ارزاق عمومی از قبیل کتف و جو و برنج و روغن و تخم مرغ این مالیات را می گیرند  
 این در واقع يك گمراهی است که از این شهر در داخله می گیرند و بعلاوه در نقاط جزه آباده هم مثل اقلید - بوانات و سایر جاها که بکرتیه مالیات می دهند باز در میدان می گیرند در صورتی که این مالیاتها هیچ صورت قانونی ندارد و گمان میکنم آقایان نمایندگان هموماً عقیده دارند که هر قسم مالیاتی که بتصویب مجلس نرسیده باید حذف شود  
 خواستم ببینم آیا موقع آن ترسیده که وزارت مالیه این قبیل مالیاتها بیکم مدارک قانونی ندارد و باعث سلب آسایش عمومی است دریافت نکنند و لغو کنند یا نه؟  
 معاون وزارت مالیه - بطور کلی این عوارض میدان که مذاکره میشود و امتثال آن که زیاد است چنانچه سابقاً هم مذاکره شد ظاهراً يك صورت قانونی که عبارت باشد از يك صیفه مالیاتی که بموجب يك ماده واحده از مجلس گذشته باشد ندارد ولی چنانچه سابقاً هم در این باب مذاکره شد اینها يك عوارض مالیاتی است که در طومار مالیاتی بوده است در سنه قوی ثیل ۱۳۲۵ اساس طومار مالیاتی از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و جزئیات او هم موجود است و اغلب آنها يك جزئیاتی است که در جزء طومار وجود دارد منتھی اینها عبارت بودند از عوارضی که سابقاً حکام در زمان حکومت خود دریافت می داشتند و این قبیل عوارض و مالیاتها مأخوذه حکام بود که دریافت میکردند منتھی اصمشی را تفاوت عمل گشاده بودند و

امروز هم از این قبیل عوارض در میدان آباده و اغلب از بلاد زیاد است و مخصوصاً همین عوارض میدان در سنه ۱۲۹۳ مجدداً تدوین کرده اند بصورتی که آناش را در طومار مالیاتی گذاشته اند و شروع به اخذ کرده اند و از آنسوات با بنظر طرف بتوان عوارض مالیاتی دریافت میکنند اگر واقماً بخواهیم در این مطلب بخصوص و در خصوص مدارک قانونی آن مذاکره کنیم خارج از بحث خواهد بود  
 این یکی از عوارض است که سابقاً حکام میگرفتند و امروز دولت بنام عوارض دریافت می دارد و وزارت مالیه در صدد است که این قبیل عوارض را بصورت واحدی در بیارند و آنقسمتی که در جمع و خرج مملکت زیاد مؤثر نباشد ممکن است تقلیل یا حذف بکنند  
 در هر حال تا یکی دو هفته دیگر تمام این مسائل حل شده و صورت آنرا ب مجلس خواهد آورد  
 رئیس - آقای احتشام الحکماء (اجازت)  
 احتشام الحکماء - اگر چه بطوری که آقای سردار فاخر اظهار داشتند سؤال کردن در مجلس منتج به نتیجه نمیشود ولی شکایت مکرر اهالی اصفهان سرا مجبور کرد که سؤال خود را تکرار کنم در چند جلسه قبل از آقای وزیر مالیه سؤالی کردم که مجلس مالیاتی برای تبریک تجارتنی نکرده و از تبریک که به مصرف داخلی نمیرسد صندوقی سی تومان ده ماه است از تجار اصفهان میگیرند و بعلاوه خبری که تازه رسیده حاکی است که سه تومان و پنج قران دیگر هم اضافه کرده اند که هر صندوقی سی و سه تومان و پنجقران باید مردم مالیات بدهند  
 این وضع تجار اصفهان است اما وضع زارعین و رعایای آنجا پس از آنکه تبریک میکارند نیم من تبریک بدست آورند معاملاتی از طرف اداره مالیه و مأمورین تعدد با آنها میشود که حقیقتاً خیلی اسفناک است  
 معاون وزارت مالیه - مالیاتهای که بشهره تبریک و تبریکهای تعدد شده تعلق میگیرد بموجب قانون تعدد عبارت از آن باندرلهائی است که بر آن الصاق میشود ولی در ماده تبریکهای که بابچونه و برای حمل ب خارج تهیه میشود يك قرارداد هائی بسته شده است باینکه توسط پست حمل کنند  
 بعد از اینکه اغلبی از تجار خواستند تبریک را خودشان ب اختیار خود بهر وسیله که میخواهند حمل کنند حاضر شدند و با اداره مالیه محل روزارت مالیه قرار دادند که میرانی برای حمل آن مین کنند و آن مبلغ را بپردازند و در تحت يك اوراق و يك جواز هائیکه ب آنها داده میشود برای حملش آزاد باشند  
 باین ترتیب يك قرارداد بین آقایان تجار اصفهان و فارس داده شده است که برای هر صندوق تبریک که فلان مقدار وزن داشته باشد و مستوی فلان مقدار شیره باشد آن مبلغ را ب اداره مالیه محل پرداخت و صندوق را آزادانه بهر شکل که میخواهند حمل کنند این يك مسئله  
 مسئله دیگر حق انبارداری و این قبیل قضایا است که باز با موافقت تجار و مالیه محل ترتیبی داده شده است و اگر آقایان نمایندگان بخواهند متن قرارداد بین تجار و مالیه را ملاحظه بفرمائید ممکن است تشریف بیاورند و اداره مالیه و آن قرارداد را که در وزارت مالیه حاضر است ملاحظه فرمائید و این يك قرارداد مرضی الطرفین است که بین تجار و اداره مالیه داده شده است و اگر تردیدی دارند چنانچه عرض کردم ممکن است آقایان ب متن آن قرارداد مراجعه فرمائید  
 احتشام الحکماء - بنده قرار دادی را هم که بانبار کرده اند تکذیب نمی کنم ولی این قرار داد اجباری بوده است  
 چطور تجار حاضر میشوند با صرافت میل و طیب خاطر هر صندوقی را سی تومان مالیات بدهند و پنجاه تومان کمرک  
 آنها مجبور بوده اند بعلاوه دولت با اینکه وسائل حمل و نقل ندارد چه حق دارد که بفلان تاجر بگوید مال التجاره ات را توسط من حمل کن و جهت ندارد که يك مال التجاره مهم مملکت اینقدر تحمیلات بشود مگر اینکه يك سیاست سری در این کار باشد که عنقریب مملکت دچار حرج و مرج سوق دهد  
 معاون وزارت مالیه - اساساً مسائلی که مشمول يك جمع و خرجی است گمان میکنم از سیاست عتی و سری مستغفل است این يك مطلبی است اداری و يك مالیات و عوارضی است که اخذ میشود اگر در لزوم و عدم لزوم آن صحبتی باشد البته ممکن است در اطراف آن صحبت کرد آقایان تجار که مدتی با مالیه طرف معامله بوده اند معاملات آنها بموجب يك قرارداد هائی بوده است - ممکن است امروز گفته شود که این قرارداد اجباری است ولی آن اجباری نبود  
 يك قرارداد کرده اند یعنی مشکلاتی که برای تجار و دولت حاصل شده بود مجبوساً را خلاصه کرده و بصورت يك قرار دادی در آورده اند و يك راه حلی در نظر گرفته اند حالا اگر بنا باشد در مجلس مذاکره مالیاتهای که قانونی نیست در مجلس مذاکره شود این يك امر علبهه است و از این قبیل مالیاتها خیلی زیاد است که در روز قراردادش بنظرها اجباری بوده است و من گمان نمیکنم محتاج باشیم يك چیزی که در روز اول اظهار اجباری نبوده و اختیاری بوده است اظهار

باین ترتیب يك قرارداد بین آقایان تجار اصفهان و فارس داده شده است که برای هر صندوق تبریک که فلان مقدار وزن داشته باشد و مستوی فلان مقدار شیره باشد آن مبلغ را ب اداره مالیه محل پرداخت و صندوق را آزادانه بهر شکل که میخواهند حمل کنند این يك مسئله  
 مسئله دیگر حق انبارداری و این قبیل قضایا است که باز با موافقت تجار و مالیه محل ترتیبی داده شده است و اگر آقایان نمایندگان بخواهند متن قرارداد بین تجار و مالیه را ملاحظه بفرمائید ممکن است تشریف بیاورند و اداره مالیه و آن قرارداد را که در وزارت مالیه حاضر است ملاحظه فرمائید و این يك قرارداد مرضی الطرفین است که بین تجار و اداره مالیه داده شده است و اگر تردیدی دارند چنانچه عرض کردم ممکن است آقایان ب متن آن قرارداد مراجعه فرمائید  
 احتشام الحکماء - بنده قرار دادی را هم که بانبار کرده اند تکذیب نمی کنم ولی این قرار داد اجباری بوده است  
 چطور تجار حاضر میشوند با صرافت میل و طیب خاطر هر صندوقی را سی تومان مالیات بدهند و پنجاه تومان کمرک  
 آنها مجبور بوده اند بعلاوه دولت با اینکه وسائل حمل و نقل ندارد چه حق دارد که بفلان تاجر بگوید مال التجاره ات را توسط من حمل کن و جهت ندارد که يك مال التجاره مهم مملکت اینقدر تحمیلات بشود مگر اینکه يك سیاست سری در این کار باشد که عنقریب مملکت دچار حرج و مرج سوق دهد  
 معاون وزارت مالیه - اساساً مسائلی که مشمول يك جمع و خرجی است گمان میکنم از سیاست عتی و سری مستغفل است این يك مطلبی است اداری و يك مالیات و عوارضی است که اخذ میشود اگر در لزوم و عدم لزوم آن صحبتی باشد البته ممکن است در اطراف آن صحبت کرد آقایان تجار که مدتی با مالیه طرف معامله بوده اند معاملات آنها بموجب يك قرارداد هائی بوده است - ممکن است امروز گفته شود که این قرارداد اجباری است ولی آن اجباری نبود  
 يك قرارداد کرده اند یعنی مشکلاتی که برای تجار و دولت حاصل شده بود مجبوساً را خلاصه کرده و بصورت يك قرار دادی در آورده اند و يك راه حلی در نظر گرفته اند حالا اگر بنا باشد در مجلس مذاکره مالیاتهای که قانونی نیست در مجلس مذاکره شود این يك امر علبهه است و از این قبیل مالیاتها خیلی زیاد است که در روز قراردادش بنظرها اجباری بوده است و من گمان نمیکنم محتاج باشیم يك چیزی که در روز اول اظهار اجباری نبوده و اختیاری بوده است اظهار

میکنم اجباری بوده است و در این مسئله با اینکه توضیحات لازم خدمت نماینده محترم عرض کردم ممالک میتوانستند وزارت مایه تشریف آورده و صورت صحیح قرار داد تجار را با اداره مایه باقیه تاریخ و سایر ترتیبات آن ملاحظه فرمایند. و ضمناً مشاهده کنند که این قرار داد اختیاری بود و ابداً هم شکایتی نداشته اند و حالاً نمی دانم ظهور شده که شکایت پیدا کرده اند.

رئیس - آقای یاسائی .  
(اجازه)

یاسائی - بنده چندی قبل سه فقره سؤال راجع . . . . .  
(شبهه شد)

اولاً سؤال من راجع به مالیات قبان دامغانست

در بی یاسائی و پنج سال قبل در استان دامغان و شاهرود و اطراف یک میزی شده و آن میزی معروف است به میزی حاج محمد زمانخانی در آن میزی معادل هفت تومان و کسری مالیات قبیان را همین کرده اند و سه ساله مرتباً از یک معنی این مبلغ گرفته می شد و مدت ها هم معمول بوده.

در هذالسنه بدون هیچ مجوز قانونی اداره مایه دامغان مالیات قبانرا بموقع مزایده گذارده است و این مسئله موجب شکایت تجار و اهالی آنجا شده است. تا اینکه یک نفر میزی مبلغی را معین کرده و در جزء جمع مقرر داشته و می خواهد از مردم بگیرد و این یک مجوز جدیدی می خواهد تا اینکه اداره مایه بتواند این مالیات را بپردازد.

بنده تصور میکنم آقایان مستشارها حسن وظیفه در در مأمورین فقط اینطور تصور کرده اند که در ولایات یک عواید بر مایه دولت اضافه کنند حالاً این عواید مشروع باشد یا نباشد زیاد باشد آنها را کارندان آنها فقط کوشش دارند که بهر نوعی است یک عوایدی برای دولت اضافه کنند و این را وسیله ترقی و پیشرفت مقاصد اداری خود میدانند و گمان میکنند اساساً این مسئله مضر باشد

رئیس - بنده عرض میکنم مطابق این قبض که الان در دست بنده است مالیات قباننداری و دامغان مبلغ هفت تومان و کسری بوده است و تاکنون به همین ترتیب معمول بوده این مالیات یعنی قبان کردن میداند. داری دادن یا ندادن آزاد بوده در یک کاروانسرای که معروف بکاروانسرای کهنه است یک قبضه ای بوده است که صاحب آن قبان این مالیات را میداده ولی در سایر کاروانسراها اگر قبضه ای بوده است آزاد بوده است حالا دولت تمام مردم را مجبور کرده است که بازهای خودشانرا بیاورند و در همان کاروانسرا و یک مبلغ گزافی بباله میدهند در سابق شاید آن قبان دار از هر باری یکشاهی میگرفته ولی حالاً دولت میخواهد از هر باری پنج شاهی بگیرد و مردم هم مجبور هستند که این وجه خلاف قانون را بدهند بنده هیچ مانعی نمی بینم از اینکه وزارت مایه مردم را آزاد بگذارد آنوقت مالیات قبان پیدا شده و خواست یک مبلغ هنگفتی بدولت

کفراف از آنها بگیرند. جواب این عرض بنده را بفرمایند تا بعد اگر توضیحی لازم شد عرض کنم معاون وزارت مایه - مسئله مالیات قبان دامغان عبارت است از یک میلی که بنام قبان دامغان در طومار مالیاتی یادداشت شده است که از زمان سابق این مسئله مسلم بوده است چنانچه خودشانهم تقریباً اشاره فرمودند لیکن یک نفری این مبلغ را در سال بدولت میداده است اما عمل قبان آزادانه خودش در دامغان یا در بعضی از جیدانها و کاروانسراها عمل میگردد است دولت این مبلغ را میگرفته و آن شخص هم میداده ولی چون باید مالیات بکسورت متصدی پیدا کند (صرف نظر از اینکه نسبت با تخفیف از حیث عمل مطلوب باشد یا نباشد) دولت بامورین خودش امر داده است این مالیاتی را که در سال از یک نفر گرفته میشود و آن یک نفر از مردم میگرفت مأمورین دولت آنرا از مردم بگیرند چون عواید دولت نمیتواند معنی باشد برای استفاده اشخاص. اگر مجلس مالیات قبان دامغانرا لغو کند آنوقت دولت هم (ولو عایدات آن بطریق مزایده یا بهر نحوی از انحاء باشد) دیناری از مردم مطالبه نخواهد کرد و اساس آن بکلی از بین میرود ولی وقتی یک همچو مبلغی در طومار مالیاتی پیش بینی شده و بدولت هم یک نفر میبرد و خودش در قبان مردم عمل مینماید بنا بر این دولت البته مراقبت خواهد داشت که یک همچو مالیاتی را خودش بدون واسطه دیگری از محل دریافت نماید زیرا خود دولت متوجه باین مسئله هست که این قبیل مالیاتها را از زیر دست اشخاص به صورت بیرون آورده و در تحت یک قوانینی بیارزد و اگر هم حالا ناقص باشد بعد تکمیل خواهد شد.

یاسائی - بنده عرض میکنم مطابق این قبض که الان در دست بنده است مالیات قباننداری و دامغان مبلغ هفت تومان و کسری بوده است و تاکنون به همین ترتیب معمول بوده این مالیات یعنی قبان کردن میداند. داری دادن یا ندادن آزاد بوده در یک کاروانسرای که معروف بکاروانسرای کهنه است یک قبضه ای بوده است که صاحب آن قبان این مالیات را میداده ولی در سایر کاروانسراها اگر قبضه ای بوده است آزاد بوده است حالا دولت تمام مردم را مجبور کرده است که بازهای خودشانرا بیاورند و در همان کاروانسرا و یک مبلغ گزافی بباله میدهند در سابق شاید آن قبان دار از هر باری یکشاهی میگرفته ولی حالاً دولت میخواهد از هر باری پنج شاهی بگیرد و مردم هم مجبور هستند که این وجه خلاف قانون را بدهند بنده هیچ مانعی نمی بینم از اینکه وزارت مایه مردم را آزاد بگذارد آنوقت مالیات قبان پیدا شده و خواست یک مبلغ هنگفتی بدولت

بدهد بنده مخالفی نمی بینم سؤال دیگر بنده . . . . .  
( بعضی از نمایندگان - بگذارد جواب بدهند)

معاون وزارت مایه - عرض کنم بنده نیخوام نماینده محترم را تکذیب کنم زیرا که یک اطلاعاتی بایشان میرسد خودشان هم اهل محل هستند و از آنجا اطلاعات کامل دارند ولی ممکن است یک ذوق اداری را توجه نکنند و از نقطه نظر اینکه بنده خودم یک مأمور بیهائی کردم شاید از جریان مطلع باشم و بروح قضیه بهتر بتوانم بیبرم ممکن است آن کسیکه مستاجر قبان بوده خودش حرفی نداشته باشد ولی یکمعاخص استند که وقتی متصدی قبان آن شخص بوده است یک استفاده هائی بیکرده اند و یک معایبت هائی داشته اند امروز که دولت مأمور خودش را فرستاده و این مالیات را بیک نرخ معین و بباله و ولوا هر کس باشد میگردد باین جهت آن اشخاص این قبیل شکایات را میکنند و آنها چنانچه عرض کردم عبارت از دلال ها و کمیانو میباشد که معایبت هائی داشته و امروز از آن استفاده ها معلوم شده اند در هر حال بنده کاری ندارم که این شکایت از آن اشخاص است اشخاص متصدی و حالاً مقصود این است که آنچه را که یک شخص مخصوصی میگرفته دولت می خواهد خودش عمل بکند. ( آقای یاسائی برای نطق حرکت نمودند.

رئیس - ( خطاب ب یاسائی ) گویا دیگر حق توضیح ندارید.

یاسائی - سؤال دیگر دارم. رئیس - چون بعضی شکایت میکنند که بعضی بر بعضی ترجیح داده شده لهذا سؤال دیگرتان بماند برای بعد. آقای هرمزی از وزارت عدلیه سؤال داشتند؟

آقای شیخ محمد علی طهرانی بنده هم از وزارت عدلیه سؤال داشتم و در چند روز قبل . . .

رئیس - اینجا سی چهل سؤال موجود است موقع بچنانها هم میرسد. هرمزی - وزارت عدلیه یکی از قوای ثلاثه مملکت است و در این فرجه هیچ توجیهی در اصلاحات آن بعمل نیامده بلکه همیشه یکسده قضات نالایقی را مقرر کرده اند و هزار قسم حقوق مردم پایمال شده اخیراً یک انتخابی از طرف عدلیه شده است و آن انتخاب آقای سید محمود است بریاست عدلیه عراق ایشان دو سال در عدلیه آنجا ریاست داشته اند و یک عملیاتی از ایشان ناشی شده است که عدلیه مفتش با آنجا فرستاده و تمام خلاف کارهای ایشان کشف و ورشو هائی که گرفته اند و کارهایی که کرده اند و احکام ناقص که داده اند اینها هم کشف شده و اینکار در عدلیه یک سابق منفصلی دارد و مردم در آنجا تعطیل عمومی کرده اند در تلگرافخانه رفته اند و تصور میکنند بجاس

هم تلگرافاتی از اهالی عراق مبنی بر شکایتی از ایشان رسیده. شد و بالتبع به وزارت عدلیه ایشان را اخراج و یکی دو فقره هم محکوم شد و برای محکومیت او مدت هشت ماه انفصال از خدمت معین کردند باینکه این مدت هشت ماه انفصال برای او کم بود و آنوقت بدون اینکه لاف این مدت را صرف محاسبات دیگری کنند که محاسبات ایشان تمام شود ایشان را بجا بیاورد بریاست عدلیه عراق فرستاده اند یک کسی که در عراق یک سوابق حب و بغض پیدا کرده است که حتماً در عدلیه عراق نمی تواند زندگانی کند و مردم دیگر با او اطمینان ندارند که عواید خودشانرا بپوشانند و مرتبه فرستادن این شخص را عراق آیا چه قدر حقوق مردم پایمال و تضییع میشود؟ و همچنین بعضی عملیات دیگر که اخیراً از طرف وزارت عدلیه شده است که در آن نقاضاتی که کرده بودم آنجا را ذکر نکردم بودم و حالاً اگر مجلس اجازه میدهد که آنها را هم ذکر کنم و اگر اجازه نمی فرمایند باشد ولی اساساً میخواستم سؤال کنم که از چه نقطه نظر این شخص را با این سوابق عدلیه عراق فرستاده اند حالاً آقای وزیر عدلیه جواب بفرمایند تا بعد اگر لازم شد توضیح بدهم

وزیر عدلیه - وزارت عدلیه یک قانون تشکیلاتی دارد در آن قانون تشکیلات تصریح دارد که اگر یکی از مأمورین در یک جانی صدر کاری شد بعد از مرگ او را احضار کردند او را محاکمه میکنند اگر پس از معاکه تیرت شد او را بجل خود هودت میدهند از آقای سید محمود ( قبل از تصدی بنده در یکسال و چند ماه قبل ) یک شکایتی شده بود بعد از طرف وزارت عدلیه یک نفر مأمور شد رفت آنجا رسیدگی کرد و وزارت بر کز داد و در هر کز بداره امور قضائی رجوع شد و تشخیص داد که ایشان یک خلاف قانونی را مرتکب شده اند و از اداره امور قضائی رجوع شد بمحکمه امور انتظامی ایشان را در آنجا محکوم کردند به شش ماه انفصال از خدمت بهم چون ایشان ناراضی بودند از این حکم نیز دادند و تقاضا کردند که تجدید نظر بشود در نتیجه تشخیص دادند که این مدت هشت ماه زیاد است و چهار ماه تخفیف دادند و چهار ماه هم تمام شد و بعد از چهار ماه وزارت عدلیه دیگر نمی توانست ایشان را بدون جهت معطل بگذارد و بایشان مطابق حق قانونی که داشتند مجدداً مأموریت ریاست عدلیه عراق داده شد و یکی دو فقره دیگر هم معاکه دارند که در محکمه انتظامی مشغول رسیدگی هستند البته پس از آنکه رسیدگی شد و یک محکومیت هائی پیدا کردند مطابق قانون با ایشان رفتار خواهد شد و در نظر انوان آقای سید محمود هم در مجلس و کالت دارند و ایشان

کاملاً از این قضیه مسبوق هستند. هرمزی - بکسبست هراض بنده را آقای وزیر عدلیه تصدیق فرمودند و آن محکومیت آقای آقا سید محمود بود که تصدیق فرمودند بنیدانم کدام ماده قانون ایشان را مجبور میکرد پس از اینکه ایشان متصل شدند از کار مدنی عدلیه عراق را تعطیل بگذارند تا اینکه مدت انفصال او بسر بیاید تا دوباره او را بفرستند ممکن بود عراق کسی دیگر را بفرستند و ایشان را بیک ریاست استثنائی می فرستادند.

میرفزمند پس از محکومیت ایشان تمیز هشت ماه انفصال را زیاد دیده اند چهار ماه نوشته اند لافاقل خوب بود وزارت عدلیه پس از آمدن موعده ایشان را به استیفاء میفرستادند ولی اهالی عراق بچاره تقصیر کرده اند که باید او را دوباره بعراق بفرستند که آن حب و بغض هائیکه دارد در حق مردم اعمال کنند.

وزیر عدلیه - بنده متأسفم خود آقای هرمزی مدعی العموم درجه سوم بزد بودند و بنده تکلیف میکنم که خلاف بکنم ریاست استیفاء ۳ درجه فرق دارد با

رئیس - بدایت ایشان رئیس بدایت درجه سوم هستند و بریاست استیفاء درجه سوم سه درجه فرق دارند در اینصورت برخلاف قانون نمی توانستم رفتار کنم و وقتی که ایشان را مراجعت دادم بعراق این رجعت بوجوب قانون بوده اگر بقانون رجوع کنند جواب شان را خواهد داد

رئیس - آقای دولت آبادی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود ( جمعی از نمایندگان - صحیح است ) رئیس - باقی سؤالات از وزارت مایه و خارج میماند برای جلسه بعد.

جلسه آتی روز پنجشنبه نسبت بروزیچ غنیه اختلاقی هست باخیر

سر کشیک زاده بنده معتمد که جلسه را روز سه شنبه قرار دهم میفرمایند پیشنهاد هم میکنم؟ رئیس - رأی میکنم بیروز سه شنبه تدبیر بنده مخالفم

رئیس - آقایانی که روز سه شنبه را تمویب میکنند قیام فرمایند چند نفری قیام نمودند) رئیس تصویب نشد پس روز جلسه پنجشنبه است چهار قبل از ظهر دستور اولاً زایرت کمیسیون بودجه راجع بپرداخت حقوق چهار ماهه منتظرین خدمت وزارت خارجه تائیباً تقاضای جمعی از نمایندگان آن راجع بتشکیل کمیسیون برای اصلاح قانون استخدام رئیس - پس چرا مذاکره فرمودید . . . . . آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه ) حاج میرزا عبدالوهاب بنده هم همین

را با تقاضای دیگر راجع بیکسبست نمودن قوانین مملکتی آقای ندین ( اجازه ) ندین - لایحه پیشنهادی راجع باقائه مالیاتی که زائد بر قانون مصوبه میگردد راجع بنوافل در جلسه گذشته جزو دستور بود مطرح شد و مطابق سابقه و عادت چیزی که جزو دستورات از دستور آن جلسه نباید خارج شود مگر در اثر رأی مجلس بنده نیدانم چگونه شد که جزو دستور بود و مطرح نشد بنا بر این بنده تقاضا می کنم جزو دستور شود در جلسه آتی تقابلاً با تائیباً تکلیفش معین شود

رئیس - بنده آنروز گفتم جزو دستور شود جمعی اعتراض کردند ولی قبل از آنکه جزو دستور شود باید تکلیفش معین شود در جلسه گذشته هر چه رأی گرفتیم رد شد بنده هم باید تکلیف معین شود خوب است اول یک ترتیبی برای آن معین فرمایند که تکلیف بنده معین شود بعد آن لایحه را مطرح کنم .

آقای دست غیب ( اجازه ) دست غیب - بنده با پیشنهاد مخالف بودم و با سه شنبه موافق حالاً که رأی گرفته شد و جلسه روز پنجشنبه شد تقاضا می کنم روز سه شنبه امر فرمایند و زراه حاضر شوند برای جواب سؤالات هر چند فایده ندارد و جواب سؤال را نمیدهند ولی علی احوال یک سؤالاتی هست که بیست روز و یکماه مانده و جواب ندادند

رئیس - این صورتی که خود آقای معاون وزارت مایه داده اند هفته فتر است و برای جواب حاضر بودند آقای وزیر عدلیه و وزیر خارجه هم برای اینکار آمده بودند ولی مجال نشد.

دست غیب - پس روز پنج شنبه اول جلسه باشد .

رئیس - آقای اخگر ( اجازه ) اخگر راجع بموضوع اضافه و جوی که از نوافل گرفته میشود مذاکره ای در جلسه قبل شد و بمقتضای بنده یک تذکره ای بود که بدولت باید داده شود که این احجافات خلاف قانون را نگیرند بنده سؤال میکنم که این تذکره بدولت داده شده است یا نه؟

رئیس - چیزی که در مجلس مطرح شده ولی هنوز رأی ندادند باید و تکلیفش معلوم نشده بنده بگویم بدولت تذکره بدهم اخگر - خلاف قانون که رأی نمی خواهد رئیس - پس چرا مذاکره فرمودید . . . . . آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه ) حاج میرزا عبدالوهاب بنده هم همین

را میخواستم عرض کنم که جوابش را فرمودید . رئیس - آقای سردار معظم ( اجازه ) سردار معظم - بنده استدعا میکنم پیشنهاد راجع بطبع صورت مشروح مجلس جزو دستور شود . این مطلب در شعب بود و مدتی تبادل نظر شد تمناً میکنم جزو دستور جلسه آتی شود تا تکلیفش معین شود

رئیس - این هم جزو دستور می شود آقای آقا میرزا بدالله خان ( اجازه ) میرزا بدالله خان - بنده استدعا میکنم بتظلم متظلمین که اینجا حاضر شده اند خانه دهند که زودتر تکلیفش معین شود زیرا این بیچاره ها فوق العاده دچار محظور هستند .

رئیس خوب است روز سه شنبه آقایان تشریف بیاورند بشعب و در این خصوص مذاکره ای بشود شاید راه حلی برای آن پیدا کنیم دیگر مخالفی نیست ( گفته شد - خیر ) مجلس یک ساعت از ظهر رئیس مجلس - مؤتمن الملك منشی معظم السلطان - شهاب

جلسه ۳۱ صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه پنجم سرطان ۱۳۰۳ مطابق بیست و دوم ذی قعدة ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت در پنج قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید ( صورت مجلس یوم یکشنبه اول سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند ) رئیس آقای دولت آبادی ( اجازه )

حاج میرزا جیمی - دومرتبه بگوش بنده خورد که آقای غلامی را غالب بی اجازه نوشته اند . آیا رأی که مجلس در باره ایشان داد که بروند سویس معالجه نمایند اجازه مجبور نمیشود؟ رئیس - مدت اجازتشان منقضی شده است . آقای اخگر . ( اجازه ) اخگر بنده عرضی ندارم . رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ ( گفته شد خیر ) رئیس - قبلاً از اینکه داخل در مورد دستور بشویم چند فقره راپورت از شعب رسیده است قرائت میشود و رأی میکنم آقای وکیل الملك ( احضار برای قرائت راپورت ) آقای وکیل الملك راپورت شعبه دوم را راجع به خانیته کی آقای محمد ولی میرزا از تبریز بشرح ذیل قرائت نمودند:

رئیس - چیزی که در مجلس مطرح شده ولی هنوز رأی ندادند باید و تکلیفش معلوم نشده بنده بگویم بدولت تذکره بدهم اخگر - خلاف قانون که رأی نمی خواهد رئیس - پس چرا مذاکره فرمودید . . . . . آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه ) حاج میرزا عبدالوهاب بنده هم همین

شعبه دوم بسوسی انتخابات تبریز رسیدگی نمود بعد از آنکه انجمن نظار تشکیل شده از بیست و یکم ربیع الثانی هزار و سیصد و چهل دو اعلان انتخابات را منتشر نموده و از غرض جمادی الاولی الی ۲۵ بتوزیع ترغیب مشغول و از ۲۷ جمادی الاول الی دوم جمادی الاخر باخذ آراء بر داخه کلیه اراق آرائی که برگشته و صندوق وارد شده چهل و دو هزار و هشتصد و هفت ورقه بوده در نتیجه استخراج آراء شهاب الدین محمد ولی میرزا با اکثریت نوزده هزار و شش صد و بیست و هشت به نمایندگی مجلس شورای ملی منتخب شده سپس انجمن نظار در مدت اعتراض برای وصول شکایت نشسته اعتراض و شکایتی نرسیده صورت مجلس و اعتبارنامه را بپهر امضا نموده و انتخابات را خاتمه داده شهبه دوم مطالعه و رسیدگی در دو سه فوق نمود بقریبی که در صورت مجلس شرح داده انتخابات تبریز موافق مقررات قانون بوده یک فقره شکایت ب مجلس رسیده بود چون اعتراض بیدرگوار وارد نبود شعبه آن را مورد توجه قرار نداد و بر حسب پیشنهاد یک نفر از نمایندگان رأی مغفی گرفته شد با حضور بانزده نفر به اکثریت ده رأی تصویب شد علیهذا شعبه دوم نمایندگی شاهزاده محمد ولی میرزا را با اکثریت تصویب مینماید .

رئیس باید رأی گرفته شود . . . . . مقوم الملك - بنده مخالفم رئیس - میماند برای جلسه دیگر . آقای وکیل الملك بفرمایند ( آقای وکیل الملك مجدداً در محل نطق حاضر و راپورت شعبه دوم را مشعر بنمایند که آقای نظام التولیه از مشهد بشرح ذیل خواندند )

شعبه دوم وسیه انتخابات مشهد را تحت مطالعه در آورده بعد از آنکه انجمن نظار تشکیل شده و اعلان انتخابات را منتشر نموده جمعی از اهالی مشهد در تلگرافخانه متحصن و تلگرافهای زیادی دایر شکایت از اعضای انجمن نظار بدولت مخابره کرده اند در نتیجه شکایت اهالی آقای معظم الملك ( که در آن موقع جزو کمیسیون سرحدی بوده ) از طرف دولت مأمور تقیض انتخابات مشهد شده از چهاردهم صفر ۱۳۴۲ بتوزیع ترغیب برداشته و از دوم ربیع الاول اخذ آراء نموده کلیه اوراق ترغیب که در شهر و توابع توزیع شده ( ۳۰۳۱۶ ) ورقه بوده و جمع آرائی که برگشته و به صندوق وارد شده ( ۳۸۰۷۸ ) ورقه بوده و نتیجه استخراج آراء آقای صولت السلطان با اکثریت با اکثریت ( ۱۴۷۰۹ ) رأی و آقای حاج ملک التجار با اکثریت ( ۱۳۹۴۱ ) رأی و آقای نظام - التولیه با اکثریت ( ۱۳۴۵۱ ) رأی و آقای امیر اعلم با اکثریت ( ۱۲۲۰۱ ) بنمایند که مجلس شورای ملی منتخب شده اند . چندین فقره اعتراض به انجمن نظار در نتیجه از وضع انتخابات بعضی از

رئیس باید رأی گرفته شود . . . . . مقوم الملك - بنده مخالفم رئیس - میماند برای جلسه دیگر . آقای وکیل الملك بفرمایند ( آقای وکیل الملك مجدداً در محل نطق حاضر و راپورت شعبه دوم را مشعر بنمایند که آقای نظام التولیه از مشهد بشرح ذیل خواندند )

شعبه دوم وسیه انتخابات مشهد را تحت مطالعه در آورده بعد از آنکه انجمن نظار تشکیل شده و اعلان انتخابات را منتشر نموده جمعی از اهالی مشهد در تلگرافخانه متحصن و تلگرافهای زیادی دایر شکایت از اعضای انجمن نظار بدولت مخابره کرده اند در نتیجه شکایت اهالی آقای معظم الملك ( که در آن موقع جزو کمیسیون سرحدی بوده ) از طرف دولت مأمور تقیض انتخابات مشهد شده از چهاردهم صفر ۱۳۴۲ بتوزیع ترغیب برداشته و از دوم ربیع الاول اخذ آراء نموده کلیه اوراق ترغیب که در شهر و توابع توزیع شده ( ۳۰۳۱۶ ) ورقه بوده و جمع آرائی که برگشته و به صندوق وارد شده ( ۳۸۰۷۸ ) ورقه بوده و نتیجه استخراج آراء آقای صولت السلطان با اکثریت با اکثریت ( ۱۴۷۰۹ ) رأی و آقای حاج ملک التجار با اکثریت ( ۱۳۹۴۱ ) رأی و آقای نظام - التولیه با اکثریت ( ۱۳۴۵۱ ) رأی و آقای امیر اعلم با اکثریت ( ۱۲۲۰۱ ) بنمایند که مجلس شورای ملی منتخب شده اند . چندین فقره اعتراض به انجمن نظار در نتیجه از وضع انتخابات بعضی از

رئیس باید رأی گرفته شود . . . . . مقوم الملك - بنده مخالفم رئیس - میماند برای جلسه دیگر . آقای وکیل الملك بفرمایند ( آقای وکیل الملك مجدداً در محل نطق حاضر و راپورت شعبه دوم را مشعر بنمایند که آقای نظام التولیه از مشهد بشرح ذیل خواندند )

شعبه دوم وسیه انتخابات مشهد را تحت مطالعه در آورده بعد از آنکه انجمن نظار تشکیل شده و اعلان انتخابات را منتشر نموده جمعی از اهالی مشهد در تلگرافخانه متحصن و تلگرافهای زیادی دایر شکایت از اعضای انجمن نظار بدولت مخابره کرده اند در نتیجه شکایت اهالی آقای معظم الملك ( که در آن موقع جزو کمیسیون سرحدی بوده ) از طرف دولت مأمور تقیض انتخابات مشهد شده از چهاردهم صفر ۱۳۴۲ بتوزیع ترغیب برداشته و از دوم ربیع الاول اخذ آراء نموده کلیه اوراق ترغیب که در شهر و توابع توزیع شده ( ۳۰۳۱۶ ) ورقه بوده و جمع آرائی که برگشته و به صندوق وارد شده ( ۳۸۰۷۸ ) ورقه بوده و نتیجه استخراج آراء آقای صولت السلطان با اکثریت با اکثریت ( ۱۴۷۰۹ ) رأی و آقای حاج ملک التجار با اکثریت ( ۱۳۹۴۱ ) رأی و آقای نظام - التولیه با اکثریت ( ۱۳۴۵۱ ) رأی و آقای امیر اعلم با اکثریت ( ۱۲۲۰۱ ) بنمایند که مجلس شورای ملی منتخب شده اند . چندین فقره اعتراض به انجمن نظار در نتیجه از وضع انتخابات بعضی از





اصلاح و پیش نهاد نماید تقاضای و لغو کرد چون خیلی مضرت و البته مادامی که مجلس شورای ملی قانون را نقض نکرده متزلزل نخواهد بود والا اگر نمایندگان معترض یک نظریات خاصی راجع به این قانون دارند از برای اینکه زودتر نتیجه برسیم خوب است فملا نظریات خودشان را بفرمایند و نگذارند برای موقعی که در تحت مذاکره میآید محتاج پیش نهاد های زیاد شود اگر چه وقت نمایندگان حق دارند پیش نهاد بکنند ولی قبلا هم ممکن است به فرمایند که ما مطالبه بکنیم و یک جامع الاطراف می تهیه بکنیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب معترف مخالف پیش نهادید ؟  
آقا سید یعقوب - بلی.  
رئیس بفرمائید.

آقا سید یعقوب این پیش نهاد چنان که خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است و تمام قانون را ملاحظه کرده اند که در تمام قانون چه ایراداتی هست و چنانکه بنده هم مستحضر به عضویت کمیسیون عرایض شکایت هائی که آمده است در دو پایه ماده آنست که محل ایستاد واقع شده است و کمیسیون هم رجوع بوزارت خانها کرده است و وزارت داخله و خارجه و قواید عامه و خیلی آنها هم تصدیق کرده اند آن شکایات وارد نبوده خواستم در متمم آن پیش نهاد راجع به مخالفت خودم عرض کنم که در کدیکه قانون استخدام نشود تجدید نظر کرد موادی را که در واقع عمل بر خورده است به مانع همانطور که آقای وزیر خارجه فرمودند آن مواد را معین کنند دو یا سه ماده است نه اینکه خود قانون استخدام را از قوت و قدرت خودش بپندارند.

وزیر امور خارجه در تکمیل مذاکرات عرض میکند نظر دولت این بوده است که حتی الامکان در قانون کمتر تصرفات بشود که هم نظر نمایندگان منظور شد باشو در مجلس شورای ملی دیگر محتاج نه باشیم که یک لایحه عریض و طولی تازه از سر گرفته و مدتی برای مطالعه از وقت صرف کنیم چند ماده معدودی بنظر ما رسیده که محتاج به اصلاح است حالا آقایان هم نظر خودشان را بفرمایند که لایحه تقدیم مجلس بشود

رئیس آقای دستغیب  
رئیس دستغیب موافقم .  
(اجازه)

رئیس آقای داور  
رئیس داور موافقم  
(اجازه)

رئیس آقای قائم مقام  
رئیس آقای قائم مقام موافقم  
(اجازه)

رئیس آقای اشکر  
رئیس آقای اشکر موافقم  
(اجازه)

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)  
سر کشیک زاده - موافقم  
(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی رئیس باید رای گرفته شود به این پیش نهاد  
یاسائی مذاکرات کافی نیست قبلا اجازه خواسته بودم  
رئیس در کجا اجازه خواسته بودید یاسائی - قبلا اجازه خواسته بودم  
کازرونی - بنده هم اجازه خواسته ام .

رئیس - آقای یاسائی اسمشان در جزو موافقین است آقای کازرونی هم جزو موافقین اند ؟  
کازرونی - بلی .  
رئیس - رای گرفته میشود به این پیشنهاد .

رئیس - رای گرفته میشود به این پیشنهاد .  
ملک الشراء - فرأت بشود .  
رئیس - طبع و توزیع شده است مع هذا فرأت میشود .

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورایی  
نظر باینکه قانون استخدام کشوری نواقصی دارد که در عمل معلوم گردیده امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنم کمیسیون مرکب از شش نفر برای تجدید نظر در آن انتخاب شده و مطالعات خود را به مجلس راپرت بدهند .

مدرس - عراقی - داور - قوام الدوله سردار فاخر - سهام السلطان - صدر الاسلام محمد حسین نماینده کرمان - حسین صدرائی - غلام حسین میرزا - سلجوازی شیخ العرافین زاده - شریعت زاده - غروخی نظم الملک عظیمی - ناصر الاسلام گیلانی - دستغیب

رئیس - رای گرفته میشود به این پیش نهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .  
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس تصویب شد . در موقع تنفس شمه ها تشکیل میشود و هر شمه یک نفر را تعیین میکند حالا چند دقیقه تنفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - اشخاصیکه به عضویت کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام معین شده اند : آقایان . شریعت زاده . مدیر الملک . شاه زاده شیخ الرئیس - کی استوانی - قائم مقام .

میرزا آقاخان . پیشنهاد راجع به قضیه نوافل مطرح است بنا بود یک طریق حلی برای مذاکرات در مجلس نسبت به این امر در شمه ها اتخاذ بشود بالفعل اصل قضیه مطرح نیست راه حلی که باید پیدا کرده باشد

آن راه حل مطرح است . آقای حائری زاده .  
(اجازه)  
حائری زاده - در دوره سابق معمول بود که این نحو تذکر هارا یک نفر نماینده اگر دولت حاضر بود بدولت تذکر میداد و دولت هم وقتی يك مسئله خلاف قانونی بود موظف بود که برود رفع آن خلاف قانون را بکنند و اگر در غیاب دولت هم بود تذکر داده میشد حالا تذکر در مجلس داده شده یعنی در این موضوع که این مالیاتهای برخلاف قانون باشد تذکری از طرف چند نفر افراد اکثریت بدولت داده شده است در مجلس هم در چند جلسه صحبت شده است هم در غیاب هم در حضور دولت مذاکره شده است افراد اقلیت هم در این موضوع که نسخ کردن این مالیات های نامشروع باشد کاملاً با نظر پیشنهاد کنندگان موافق بوده هستند و راهی برای اقلیت جز اینکه از دولت استیضاح بکنند نیست یعنی دولت را در تحت استیضاح بیاوریم که بشما که تذکر داده شد باز چرا این خلاف قانون را ادامه داده اید و برای اکثریت از این راهی نیست اگر افراد اکثریت يك شق دیگری دارند که بطور خصوصی ممکن است این مسئله را با دولت حل کنند که محتاج به استیضاح نباشد و دولت این خلاف قانون را که ادامه داده جلو گیری بکنند و حال وقفه برای این قبیل کار های بدون مجوز قانونی پیش بیاید بهتر والا امیدواریم که آقایان طرف دار دولت هم با ما موافقت بکنند و ما این را بشکل استیضاح پیش بیاوریم والا راه دیگری برای ما نیست .  
رئیس - آقای امیر حشمت .  
(اجازه)

امیر حشمت - بنده قبل از اینکه داخل در عرض خودم بشوم خاطر آقایان نمایندگان را بدو ماده از قانون متذکر می شوم . قانون محاسبات عمومی ماده دوازدهم .  
رئیس - راجع به تعیین برآه حل است ؟  
امیر حشمت - میخواهم عرض کنم که به صراحت قانون راه حلی ندارد مگر اینکه القاع بشود .

رئیس - راه حل نظامنامه عرض کردم . آن آراییکه در دو جلسه قبل اینجا داده شد آنها را باید در نظر بگیرد و یک طریقی پیدا کنید که اینجا بشود مذاکرات سگردد رای گرفت . آقای شریعت زاده .

رئیس - بنده در اصل مطلب عرض دارم  
رئیس - آقای آقا شیخ محمد علی .  
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم .  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب .  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تصور میکردم بعد از آنکه شعب تشکیل شد و این لایحه رفت به شعب باید راپوت آن به مجلس آمده باشد و راه حل این مسئله ذکر بشود که تکلیف آقای رئیس و لایحه معین باشد حالا بعضی ها به اصل مسئله و بعضی ها به استیضاح برمی گردند اصل مطلب را آقای رئیس رئیس بیان فرمودند که نظامنامه هست که ما هم محکوم هستیم به اجرای آن این پیشنهاد آمد در اینجا و وجوه مختلفه پیش نهاد شد و تمام رد شد الا آن وارد شدن در این لایحه ترتیبی است که بنده عرض میکنم اگر مجلس تصویب میکند برای وارد شدن در راه حل این مسئله يك کمیسیونی بشود به این معنی (معنی کمیسیون را عرض میکنم) چون يك پیشنهادی شده که رجوع شود به کمیسیون فوائذ ماله من هم موافق بودم و آنرد شد بکمی هم بکمیسیون مبتکرات رد شد برای همه کمیسیونها پیشنهاد شد .

بعضی از نمایندگان - (بطور مهمه) رد نشد .  
آقا سید یعقوب - نمیدانم شاید در دو باره زنده شده باشد لی گویا رد شد حالا این است که بنده عرض میکنم برای اینکه بتوانند این کار را حل بکنند باید يك کمیسیونی برای فهم این مطلب معین کنند برای اینکه آیا این بچه عنوانست باین عنوانی است که آقای حائری زاده فرمودند ؟ تذکر است ؟ یا چنانکه بعضی آقایان میگویند لایحه است ؟ يك کمیسیونی تشکیل بدهند که اولاً تشخیص بدهند این چه عنوانی دارد بعد از اینکه تشخیص موضوعش را دادند آنوقت نظامنامه راه حل این را گفته است یا لایحه میشود یا پیشنهاد یا طرح قانونی اول باید يك کمیسیونی تشکیل بشود طرز فهم این را که بچه عنوانست معین نماید بعد وارد در اصل مسئله بشویم این عقیده بنده بود .  
رئیس - آقای حائری زاده .  
(اجازه)

حائری زاده - بنده خیال میکنم آقای آقا سید یعقوب برایش بنده درست بر نخوردند در اینکه این مسئله تذکر است حرفی نیست در متن این ورقه هم نوشته است که بدولت تذکر داده شود در این اختلافی نیست ولی چون این تذکر از طرف بعضی افراد اکثریت داده شده بود و لازم بود که دولت وقتیکه با طرفداران خودش موافقت دارد تذکر آنها را ببرد حالا که یقینت است راه حلی باید پیدا کرد ما يك روابطی

نداریم با دولت و راهی غیر از استیضاح بنظرمان نمیرسد این است استیضاح را و وسیله فرار می دهیم که ما عقیده نداریم این عوارض را بگیرند دولت یا خودش خواهش میکند که لغو نمایند . . .  
رئیس - از موضوع خارج است .  
حائری زاده - بنظر ما راه حلی غیر از استیضاح نرسیده اگر بنظر اکثریت راه حلی رسیده است بفرمائید .  
رئیس - آقای مشار اعظم .  
(اجازه)

مشار اعظم - در آنجلسه که مذاکراتی شد بالاخره پیشنهاداتی که بنظر نمایندگان رسیده بود رد شد یعنی اساساً مانعاً کرده در اطراف پیشنهاد رد شد و بعد مذاکره در اطراف اصل لایحه هم با اکثریت رد شد حالا باید ترتیبی پیدا کرد که لایحه در روی آن اصول طرح شود . . .  
یک نفر از نمایندگان - رد نشد .  
مشار اعظم - چرا رد شد طرح خود پیشنهاد در مجلس رای نداد و همین جهت آقای رئیس فرمودند که شعب در این باب يك مطالعاتی بکنند و راه حلی در نظر بگیرند که مطابق آن اصل پیشنهاد طرح بشود .

این موضوع با امضای زیادی که دارد (در صورتیکه ممکن بود به اسم پیشنهاد باشد یا طرح قانونی) پیش نهاد کنندگان گفته اند کاین عنوان پیشنهاد و طرح را ندارند و این يك مطلبی است و چون در نظامنامه هم نسبت به مطلب تصریحاتی وافی ندارد . و مطلب هم دامنه وسیع دارد که غالب مذاکرات که عنوان طرح قانونی یا پیشنهاد را ندارند بصورت مطلب در میانند و برای آنها يك مترات و نظاماتی نیست در آنشعبه که ما بودیم اینطور رای دادند که خوب است اساساً برای مطلب و در اطراف طرح مطالب يك مواد مخصوصی تنظیم نمایند وقتی تنظیم شد این هم چون عنوان مطلب است در روی آن اصول در مجلس مطرح شود این مسئله تا یک درجه هم بنظر صحیح میرسد چون بعضی از مسائلند که در آتی ممکن است در مجلس مطرح شوند که عنوان طرح قانونی و پیشنهاد نداشته باشند آنوقت همین مشکلی که حالا برای این لایحه پیش آمده برای آنها هم پیش خواهد آمد بالاخره خوب است که يك کمیسیونی تشکیل بشود برای تنظیم يك موادی نسبت به مطالبی که در مجلس مطرح میشود و وقتیکه آنمواد تنظیم شد آنوقت این لایحه را در آن حدود طرح می کنند و در اطرافش مذاکره میکنند .  
رئیس - آقای رهنما .  
(اجازه)

رهنما - قبل از اینکه بنده نظریه خودم را راجع بجل این قضیه و کیفیت

ترتیب عرض کنم لازم است که عرض کنم آقای حائری زاد يك اشتباهی کرده اند و آن اینست این طوریکه میگردند مثل این مالیات را کابینه فعلی وضع کرده است . . .  
رهنما - خیر این مالیات در کابینه که شاید بعضی از آقایان هم موافق و پشتیبان آن کابینه بوده اند بر فرآورده . . .  
ملک الشراء - در کابینه سیاه بوده است .  
رهنما - حالا آقایان آمدند يك تذکری دادند و این موضوع استیضاح نبود اما آن قسمت راجع به اصل قضیه چون برای مطلب در نظامنامه يك قسمت هائی پیش بینی نشده است ممکن است عجزاً به عنوان طرح قانونی لایحه این مسئله را در نظر بگیریم چون راه حل دیگری به نظر نمیرسد .  
رئیس - آقای یاسائی .  
(اجازه)

یاسائی گمان میکنم يك قسمت مذاکرات کمی شود اصلاً خارج از موضوع است آقای رئیس در جلسه قبل فرمودند که برای مطلب پیش نهادی يك طریقه نظام نامه باید پیدا کرد در جریانات پارلمانی آنرا تعقیب کرد موضوع مذاکره هم همین است چون در نظامنامه يك موادی راجع بجزایر مطلب نیست باید راه حلی پیدا کرد بنده نظرم آمد و پیش نهاد هم کردم مادامی که نظام نامه اصلاح نشده است کلیه مطالبی که از طرف نمایندگان پیش نهاد می شود آن مطالب در حکم طرح های قانونی باشد تا نظامنامه اصلاح شود شاید گفته شود که همین تقاضاهم باز در حکم يك مطلبی است و قضیه دوری است چنانکه در شعب هم همین مذاکره شد ولی چون قضیه اکثر بطور سلسله دوری شد آنرا باید از يك جایی قطع کرد و قضیه را حل کرد این است که بنده بنظرم اینطور میآید که این پیش نهاد ارجاع بکمیسیونی نشود که کار منجر به بطور شود و در همین جلسه راجع به این پیش نهاد مذاکره بشود اگر آقایان تصویب میکنند این طور قرار بگذاریم کلیه مطالب تا نظامنامه اصلاح نشده در حکم طرح های قانونی و بعد از این به همین رویه عمل شود تا نظامنامه اصلاح شود .

رئیس - آقای کازرونی جناب عالی در اصل قضیه اجازه خواسته بودید ولی حالا در اصل موضوع حرف نمیزنیم . آقای حاج عز المالک .  
(اجازه)

حاج عز المالک - بطوریکه در شعب مذاکره شد بالاخره راه حل خارج از دو شق نیست یکی این که تصور کنیم که چون برای مطلب هیچ موادی تنظیم نشده

يك کمیسیونی انتخاب نمائیم تا آن کمیسیون موادی تنظیم نماید که ما از روی آن مواد يك دستوری داشته باشیم و در باره مطالبیکه در مجلس عنوان میشود مطابق آن مواد رای بدهیم .  
این يك شق . شق دیگر در آن شعبه که بنده بودم و یکی از آقایان اظهار کردند این يك قدری کار را سریعتر میکند زیرا اگر يك کمیسیونی انتخاب بکنیم و آن کمیسیون بخواهد موادی تنظیم بکند و آن مواد باید در مجلس شورا و در آن مواد رای بدهیم تا این که مطابق آن مواد مالین مسئله را مطرح کنیم این طریق يك چندی طول میکشد .  
راه دیگرش این است که چون در نظامنامه راجع به مطلب موادی ندارد این را مثل يك طرح قانونی تصور کنیم یعنی همان مراتبی را که برای طرح قانونی در نظر داریم و عمل میکنیم همانطور برای يك مطلب در نظر بگیریم حالا چند روز طول میکشد و دو شور میشود باید درش مذاکره بشود آنوقت بکمیسیون مخصوص یا کمیسیون مربوطه میرود اینها دیگر فرق نمیکند بعد از اینکه قائل شدیم که مطلب مطابق طرح قانونی باشد هیئت رئیسه مجلس شورای ملی بایستی مطابق موادی که برای طرح قانونی مطرح میشود همان مواد را نسبت به مطلب هم بوقع اجرا بگذارند بعد آقایانی که برای نظامنامه نامه داخلی انتخاب شده اند زود تر فکر خود را نموده و نظام نامه را اصلاح کنند و الا نشود گفت که مافکری نداریم راه حلی هم نداریم بعقیده بنده فکر و راه همین است و غیر از این دو شق هم هریک از آقایان شق ثالثی در نظر دارند بایستی پیشنهاد کنند .  
رئیس - آقای داور .  
(اجازه)

داور - بنده تصور میکنم راه حلی را که آقایان پیشنهاد کرده اند راجع باینکه این مسئله را طرح قانونی تلقی نمایند بعقیده بنده يك قدری قابل اشکال است در ماده دوازدهم نظامنامه چیز هائی که بشعب ارجاع میشود سه قسم است .  
لایحه . طرح قانونی . مطلب .  
این مسئله راجع بان دو قسم . اول که نیست قسم سوم است که مجلس تصویب کرده و بشعب ارجاع کرده است حالا برای اینکه بخواهیم دنباله این کار را گرفته و به يك طریقی قضیه را حل کنیم یا باید دنباله همین ماده را گرفت و در آن ماده هم بنویسد که (هر وقت مطلب یا لایحه قانونی پیشنهاد مجلس میشود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا ملاحظه و مذاکره شده و اگر تشکیل کمیسیونی لازم آید هریک از شعبات پس از مذاکرات و مباحثات موافق عده که مجلس

مجلس تصویب کرده است برای این چون این رامجلس مطلب تلقی کرده است و لی برای این که شعبات تکلیفش معلوم شود و بعد از آن روی همان مواد تکلیفش معین بشود .  
رئیس - آقای اشکار .  
(اجازه)

اشکار - بنده همانطور که آقای داور و آقای حاج عز المالک بیان کردند با مذاکرات ایشان کاملاً موافقم .  
رئیس - آقای حائری زاده میفرمایند در این باب توضیح بدهید ؟  
حائری زاده - خیر این فرمایشاتیکه

آقایان فرمودند هیچکدام راه حل نبود چون بدولت تذکر داده شده است چیز تازه هم نیست و شرايط هم کاملاً در نظامنامه نوشته شده این موضوع طرز لایحه را ندارد و طرح قانونی هم نیست که ماده بندی و مقدمات لازم داشته باشد خود آقایان هم که این لایحه را پیشنهاد کرده بودند بدولت کرده بودند که يك تذکری ما باید بدولت بدهیم راه حلی در این کار این است که ما باید مجلس رای بدهد که این مالیاتها نسخ شود یا باید آنهائی که با دولت روابطی دارند بگویند که این مالیاتها راسخ کنند و مردم راحت بشوند یا اینکه ما استیضاح بکنیم از دولت و این مالیاتها را رد کنیم و اگر آقایان راه عملی دیگری بنظرشان میرسد بفرمایند ما هم موافقت میکنم .  
رئیس - پیشنهاداتی رسیده است بعد از این که مذاکرات را کافی دانستید فرأت شده و رای گرفته میشود .  
آقای اشکر .  
( اجازه )

اشکر - این مذاکراتی که در این جا می شود و بعضی آقایان قائل شده اند که راه حلی برای این موضوع اتخاذ شود بفرمایند زیرا بنده مترسمم که در اثر تعقیب این موضوع يك سلسله بندی برای آینه ایجاد شود مثلاً اگر يك خلاف قانونی

مجلس مستحضر به عضویت کمیسیون عرایض شکایت هائی که آمده است در دو پایه ماده آنست که محل ایستاد واقع شده است و کمیسیون هم رجوع بوزارت خانها کرده است و وزارت داخله و خارجه و قواید عامه و خیلی آنها هم تصدیق کرده اند آن شکایات وارد نبوده خواستم در متمم آن پیش نهاد راجع به مخالفت خودم عرض کنم که در کدیکه قانون استخدام نشود تجدید نظر کرد موادی را که در واقع عمل بر خورده است به مانع همانطور که آقای وزیر خارجه فرمودند آن مواد را معین کنند دو یا سه ماده است نه اینکه خود قانون استخدام را از قوت و قدرت خودش بپندارند .

وزیر امور خارجه در تکمیل مذاکرات عرض میکند نظر دولت این بوده است که حتی الامکان در قانون کمتر تصرفات بشود که هم نظر نمایندگان منظور شد باشو در مجلس شورای ملی دیگر محتاج نه باشیم که یک لایحه عریض و طولی تازه از سر گرفته و مدتی برای مطالعه از وقت صرف کنیم چند ماده معدودی بنظر ما رسیده که محتاج به اصلاح است حالا آقایان هم نظر خودشان را بفرمایند که لایحه تقدیم مجلس بشود

رئیس آقای دستغیب  
رئیس دستغیب موافقم .  
(اجازه)

رئیس آقای داور  
رئیس داور موافقم  
(اجازه)

رئیس آقای قائم مقام  
رئیس آقای قائم مقام موافقم  
(اجازه)

رئیس آقای اشکر  
رئیس آقای اشکر موافقم  
(اجازه)



مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم :  
۱- کمیسیون شش نفری از شعب تشکیل شود که موادی را برای اینگونه معالجات تکلیف آنها را نظامنامه کنونی مشخص نکرده است طرح نموده و بمجلس پیشنهاد نماید .  
۲- این مطلب تا طرح موافق الذکر مسکوت بماند

( کمیسیون )  
مقام منبع ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی فوریت موادی را جمع به (مطلب) در نظر گرفته پیشنهاد بمجلس نماید تاسی از تصویب آن مواد مسئله فنی نواقض موافق آن طرح و تقبیل شود ( داود )

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم برای تشکیل کمیسیون رأی گرفته شود (مدبر الملک)  
مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد میکنم یک کمیسیون سه نفری تشکیل و طریق شورای این پیشنهاد را معین کند .

(آقای سید یعقوب)  
بنده پیشنهاد میکنم چون این موضوع مطلب است مطابق ماده دوازدهم از فصل سیم نظامنامه داخلی کمیسیون خاصی که همه آن را مجلس معین خواهد کرد از اشغالات انتخاب و مطلب در آن کمیسیون حل شود ( سردار فخر )  
بنده تجدید میکنم پیشنهاد سابق خودم را که چون این مطلب پیشنهادی مشمول ماده دوازدهم است و در آنجا تکلیف تقریباً معین شده است یعنی نوشته شده است که اگر مطلب در شعبات حل نشد و احتیاج بشکلی کمیونی بود باید کمیسیون برای حل قضیه انتخاب شود لذا بنده تمهید کرده ام که کمیونی انتخاب شود و این فقره بکمیسیون مراجعه گردد .

(صدرالملك)  
رئیس - در این پیشنهادها با یک رأی گرفته میشود  
آقای یاسانی توضیحی دارید ؟  
یاسانی - بنده همانطور که عرض کردم انتخاب کمیسیون سه نفری یا بیشتر برای حل این قضیه موجب این است که کاری کفایتی طول بکشد و بمطلبی بینجامد بهترین راهی که بنظر من میرسد همان مطلبی است که پیشنهاد کرده ام که موافق اولی الحال مطالب را در حکم طرحهای قانونی بدانیم و مطابق همان جریانات را ادامه بدهیم اما اینکه بعضی آقایان فرمودند باید مدلول ماده دوازدهم

نظامنامه را در نظر گرفت بنظر بنده مورد ندارد زیرا در نظامنامه معین میشود که مطلب امر است از لایحه و طرح هر لایحه و طرح قانونی مطلب است ولی هر مطلب لایحه و طرح قانونی نیست در بعضی از موارد مطلب بر لایحه و طرح قانونی اطلاق شده است و بر عکس در ماده دوازدهم میگوید که هر مطلب یا طرح قانونی یا لایحه که پیشنهاد شده باید بشعب برود ولی موقع ارجاع بشعب و امین نکرده اوایی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود آنها باید بکمیسیون مبتکرات برود و بعد از آن بمجلس بیاید تا در مجلس رأی بقابل توجه بودنش گرفته شود آن وقت بکمیونی که بمجلس در نظر گرفته است رجوع میشود بنظر بنده اجرای ماده دوازدهم در این جا مورد ندارد و بهتر اینست که ما این مطلب را در حکم طرح قانونی تلقی کنیم و همان جریاناتی که در اوراق طرح قانونی میشود جریان بدهیم و زود تر باین مسئله و سایر مسائلی که پیش میآید خانه بدهیم و مذاکرات زیادی نکنیم

رئیس - البته مجلس مختار است هر طور که بخواهد رأی بدهد ولی این پیشنهاد آقای یاسانی سلب آزادی از آقایان و گناه خواهد کرد برای اینکه طرح قانونی را قبل از این که مطرح کنند باید با دوازده نفر امضاء کنند بعد برود بکمیسیون مبتکرات کمیسیون مبتکرات هم دو هفته وقت دارد که رأیت بدهد بعد باید در مجلس قابل توجه بشود بعد مراجعه شود بکمیسیون و دو شور شود ممکن است مطلبی که خیلی فوریت داشته باشد مثلا مجلس صلاح بداند که یک کمیونی فوراً برای تعیین امری تشکیل شود و باین ترتیبی که ایشان پیشنهاد کردند شاید دوسه ماه بگذرد و مطلب تمام نشود یاسانی - بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم .  
رئیس - استرداد میکنید ؟  
یاسانی - بلی  
رئیس - آقای مصدق السلطنه ( اجازه )  
مصدق السلطنه - اصل سی و نهم و چهارم قانون اساسی راجع به مطلب یک شرحی نوشته شده است :

این مسئله نه مطلب است نه لایحه است ولی حالا که تشخیص بمطلب می دهند این جا در اصل سی و نهم قانون اساسی راجع به مطلب می نویسد اگر مورد استعمالش در این جاست اجرا بفرمایند و اگر هم نیست که هیچ .  
رئیس - این پیشنهاد آقای مصدق السلطنه هم همان میباید که پیشنهاد آقای یاسانی داشت دارد . قانون اساسی مطلب را بیک معنای دیگری استعمال کرده است نظامنامه به معنای دیگری مطلب که در اصل سی و نهم نوشته شده است همانست که در نظام نامه باسم طرح نوشته شده حالا اصل سی و نهم قانون اساسی و ماده سی و سوم نظام نامه را می خوانند این طور هست یا نه :

(آقای آقامیرزا شهاب بضمون ذیل قرائت نمودند)  
اصل سی و نهم هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضاء مجلس عنوان شود فطرتی مطرح مذاکره خواهد شد که انلا یا زنده نفر از اعضاء مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتبا بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره فرار بدهد ماده سی و سوم هر طرحی را که نمایند پیشنهاد میکنند باید بطرز قانون ماده بنامه نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آنست بوده باشد .  
طرح مذکور پس از آنکه ۶ نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتبا به رئیس داده میشود میتواند آنرا بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید .  
رئیس - در نظام نامه مطلب بلغظ طرح و انجمن تحقیق به انظ کمیسیون مبتکرات ذکر شده باید رأی گرفته شود .  
مصدق السلطنه در صورتیکه قبول نشود بنده استرداد میکنم  
رئیس - استرداد میفرمائید .  
مصدق السلطنه - بلی  
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )  
محمد هاشم میرزا در ادوار مختلفه هر وقت خلاف قانونی از دولت مشاهده میشد یک اشطاری میکردند و رفع میشد والا اصل موضوع در قانون محاسبات عمومی که در سنه ۱۳۲۹ نوشته شده پیش بینی شده که مالیات بر خلاف قانون اصلش سه صورتی دارد و آقای امیر حشمت هم تذکره کردند علی ای حال این مطلب اگر حل نشود هر روز دچار اشکال میشود و همه اسباب زحمت برای ریاست است و اختلاف نظر بین نمایندگان حاصل میشود و نظیر همین مسئله بار سال در مسئله انکور پیش آمد و موقع شد ولی این مطلب چند جلسه وقت مجلس را هدر کرده و خیلی هم مهمست و همه هم

علاقه مند با اصلاح مطلب هستیم اینست که بنده پیشنهاد کردم که تکلیف مطلب معلوم شود و این مسئله هم لایحه یا طرح قانونی نیست .  
اینست که بنده تمام اینها را ملاحظه کردم و باین جهت پیشنهاد کردم که یک کمیسیون سه نفری تشکیل شود بلکه راپرت آنرا تا روزیکشنبه رسانند و یکی دو ماده بنویسند که مطلب را چطور باید پذیرفت و این موضوع را بنامه ۲ ساعت میشود حل کرد و تا روزیکشنبه هم تکلیفش معلوم شود و مقصود از مذاکره در جلسه امروز حل مسئله نظام نامه است و هیچ اشتباه نشود که گفته شود میخواهند در اصل مطلب اسباب تویق پیدا شود .  
خیر مقصود و مدنظر نظامنامه است و الا اصل مسئله در قانون محاسبات عمومی و در قانون اساسی تکلیفش معلومست باین جهت بنده برای روشن شدن قضیه پیشنهاد تشکیل کمیسیون سه نفری کردم که زودتر بمقصد برسیم بلکه تا جلسه بعد راپرت آن رسیده و این مطلب حل شود .  
رئیس - نسبت به پیشنهاد شاهزاده شیخ - رئیس مخالفی هست یا خیر  
اشگر - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید  
اشگر - معتقد شدن بشکلی کمیسیون در مقابل یک خلاف قانونی تصدیق ضمنی خواهد بود که مخالف قانون را ولو برای چند روز هم باشد تصدیق میکنم .  
اصل بیست و هفتم قانون اساسی می نویسد مجلس در هر جا نصی در قوانین و یا اساسه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول بعضی از نمایندگان ( با همه ) خارج از موضوع است .  
رئیس - جواب اظهارات شاهزاده را بفرمائید  
اشگر - بنده با تشکیل کمیسیون مخالفم و تشکیل آن را برای امر خلاف قانونی تصدیق ضمنی میدانم که بر آن خلاف قانون رضایت داده باشیم  
سردار معظم - بنده با پیشنهاد شاهزاده مخالفم .  
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد عدل الملک - بنده تقاضای تجزیه میکنم .  
رئیس - چطور تقاضای تجزیه می کنید ؟  
عدل الملک - تقاضا میکنم بدو بکمیسیون رأی بگیریم بعد بدهد و مرجع رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد شاهزاده اول در قسمت کمیسیون آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد - حالا رأی میگیریم بکمیسیون سه نفری آقایانی که تصویب میکنند که عده سه نفر باشد قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)  
رئیس - تصویب نشد  
یک نفر از نمایندگان - شش نفر باشد  
رئیس - رأی میگیریم به شش نفر  
بعضی از نمایندگان - از شعب  
رئیس - اول رأی میگیریم بشش نفر بعد از شعب آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد  
حاج عز الملک - بنده پیشنهاد میکنم از شعب انتخاب شود .  
محمد هاشم میرزا - بنده قبول میکنم از شعب انتخاب شود  
رئیس - رأی میگیریم که از شعب انتخاب شود آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد - چون تجزیه شد حالا باید مجدداً رأی گرفته شود بیک کمیسیون شش نفری که از شعب انتخاب میشود آقایانی تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد - آقای حائری زاده - من با ختم جلسه مخالف نیستم ولی خوبست در اول جلسه آتی بیاند .  
دست خیب - بنده هم سؤال دارم و با ختم جلسه هم مخالفم  
رئیس - آقایانی که تصویب میکنند جلسه ختم شود قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد - پیش از اینکه آقایان تشریف ببرند باید چند دقیقه تشریف ببرید بشعب و اعضاء کمیسیون را انتخاب کنید .

چندین مسائلی که خیلی در پرت پیشنهاد شده است جزء دستور گذاشته میشود این مسئله که اشکالی ندارد و بتأخیر میاندازند خوبست امر بفرمائید در جلسه آتی اول دستور بگذارند که افلا روش بنایند و تکلیفش معلوم شود .  
رئیس - چون خیلی عقب افتاده است جلوتر از همه میاندازیم و اول دستور میگذاریم و مقدم خواهد بود بر سایر موادی که گفتیم .  
آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه )  
حاج میرزا عبدالوهاب - عرض بنده اینست که زودتر تکلیف این کمیسیون معلوم شود که تا روزیکشنبه راپرت خورد را داده و جزء دستور شود  
رئیس - عرض کردم پیش از این که تشریف ببرید بنائول تشریف ببرید بشعبها و تکلیفش را معین کنید .  
آقای دولت آبادی ( اجازه )  
حاج میرزا یحیی - بنده با حضور وزیر مالیه خواستم یک عرض بکنم که ایشان تشریف بردند .  
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس شاهزاده شیخ رئیس - عرضی ندارم .  
رئیس - آقای دست خیب ( اجازه )  
دست خیب - سؤالات راجع بوزراء .  
رئیس - راجع بدستورات  
دست خیب - بلی خواستم عرض کنم اطلاع بدهید بوزراء که روزیکشنبه بیایند و جواب سؤالات را بدهند این قدر که نمیشود بتأخیر انداخت  
رئیس - دیگر اظهاری نیست ؟ آقای هرمزی ( اجازه )  
هرمزی - بنده يك تذکری میخواهم بدهم راجع با آقای معاضد السلطنه که ایشان دو ماه است و مسکول شده اند و در وزارت هم باقی هستند .  
رئیس - معاضد السلطنه جزء دستور نیست . آقای اشگر ( اجازه )  
اشگر - از طرف کمیسیون مبتکرات چهار فقره راپرت داده شده است سه فقره اش راجع دستور مقرر فرمودید . بنده استدعا میکنم مقرر بفرمائید فقره دیگر هم جزء باشد .  
رئیس - کدام راپرت .  
اشگر - عرض کردم چهار فقره راپرت از طرف کمیسیون مبتکرات تقدیم شده است سه فقره آن جزء دستور شده است استدعا دارم فقره دیگر هم جزء دستور بشود .  
رئیس - راجع بچه موضوع است ؟  
اشگر - راجع بتفسیر سه ماده از قانون استخدام است و کمیسیون آن هم معین شده

است مقرر بفرمائید جزء دستور معین شود که بمجلس آمده و پس از آن بکمیسیون مراجعه شود .  
رئیس - چون يك رأی کلی نسبت به قانون استخدام داده شده این هم جزء کل میشود . حالا اگر دوباره میخواهد برای آن رأی بگیریم ممکنست .  
اشگر - چون قاعده بنایند بمجلس بیاید از مجلس بکمیسیون مراجعه شود .  
رئیس - ممکن است در جلسه دیگر اظهار کنید اگر مجلس خواست رأی میدهد .  
آقای آقا شیخ محمد علی تهرانی ( اجازه )  
آقا شیخ محمد علی - بنده تقاضا دارم که تا روز یکشنبه در صورتیکه کمیسیون نقطه کارش را تمام نکند مقدم بر همه لایحه نقد باشد .  
رئیس - اگر تمام شد آقای امیر حشمت ( اجازه )  
امیر حشمت - تقاضا میکنم لایحه قانونی راجع به محسوب نمودن مستیری و شهریه و مطالبات موقوفه از دولت از باب بدهی مالیات که از شعب بمجلس فرستاده شده جزء دستور شود .  
رئیس - اگر وقتی باقی باشد جزء دستور میشود .  
امیر حشمت - یکی دیگر هم پیشنهاد راجع بقانون بلدییه است در تحت سه ماده آتهم مذکور است از شعب رسیده خوبست جزء دستور بگذارید .  
رئیس - آتهم اگر وقت باقی ماند تذکره داده میشود . آقای حاج عز الملک ( اجازه )  
حاج عز الملک - عرضی ندارم .  
رئیس - آقای تدین ( اجازه )  
تدین - بنده يك موقعی میخواستم تقاضا کنم که در راپورت از کمیسیون بودجه راجع به حقوق قاعده و مسترهای صاحبین سابق قدیمی وزارت جنگ رسیده است جزء دستور شود ولی نوبت بین رسیدن و حالا که دستور پر شده است .  
رئیس - برای جلسه روز سه شنبه قرار میدهم . آقای هراتی ( اجازه )  
حاج آقا اسمعیل هراتی - بنده هم همین استدعا را میخواستم بکنم قبل از آنکه صحبت دستور بمان بیاید اجازه خواسته بودم ولی بنده اجازه داده نشد و حالا اجازه دادند .  
رئیس - در بر منفت شدند دیگر کسی اظهاری ندارد .  
( گفته خیر )  
( مجلس یک ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - مؤذن الملک منشی - بمطلب السلطان - م شهاب

جلسه ۳۲  
صورت مشروح مجلس  
یوم یکشنبه هشتم  
سرطان ۱۳۰۳  
مطابق بیست و بیجم  
ذی قعدة ۱۳۴۲  
مجلس سه ساعت قبل از ظهر  
بریاست آقای مؤتمن الملک  
تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم پنجشنبه پنجم  
سرطان را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند  
رئیس - آقای سید همدان راقاب بدون اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند .  
آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
آقا سید یعقوب آقای سید همدان یک اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون هم راپرت آن را تقدیم هیئت رئیسه نموده درست نمی دانم از نظر آقای رئیس گذشته است یا نه ؟  
رئیس - امروز رأی گرفته میشود صورت مجلس مخالفی ندارد ؟  
گفته شده خیر .  
رئیس - راپرت شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای ولیمیرزا مطرح است آقای مقوم الملک گویند مخالف بودند ؟  
مقوم الملک - یکی از شرائط وکالت امانت و درستکاری است بموجب فقره ششم ماده ششم قانون انتخابات و کلا باید معروف بامانت و درستکاری باشند و جای آنکه شاهزاده ولی میرزا کامر فاقد این شرط است .  
امانت شاهزاده معصوم و لیمیرزا در غارت مالیه آذربایجان و متروکات روسها و اظهارن السس است  
دوسه انتخابات آذربایجان باین مطالب اشاره شده است ولی دوسه های وزارت مالیه کاملاً این مطلب را به ثبوت میرساند .  
بلکه چنین خالصه که یکی از املاک ملی است بنظم العداله واگذار نموده .  
میانچ خالصه انتقالی که یکی از نصیبات بزرگ است کلیه اعیان غیر مستقیم و قسمتی از اعیان مستقیم آن که راجع بدولت است بوسیله تصدی ایشان در مالیه آذربایجان چندین سال است از میان برود بدولت رسانیده است . میان دو آب خالصه .  
سالار لشکر - بی ربط میگویی این طور نیست  
( همه بین نمایندگان )  
رئیس - چه شده است ؟  
تدین - شاهزاده سالار لشکر اظهار کردند بی ربط میگویی باید حرفشان را پس بگیرند  
سالار لشکر - پس میگیرم ولی میان دو آب نبوده است

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم :  
۱- کمیسیون شش نفری از شعب تشکیل شود که موادی را برای اینگونه معالجات تکلیف آنها را نظامنامه کنونی مشخص نکرده است طرح نموده و بمجلس پیشنهاد نماید .  
۲- این مطلب تا طرح موافق الذکر مسکوت بماند

( کمیسیون )  
مقام منبع ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی فوریت موادی را جمع به (مطلب) در نظر گرفته پیشنهاد بمجلس نماید تاسی از تصویب آن مواد مسئله فنی نواقض موافق آن طرح و تقبیل شود ( داود )

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی  
بنده پیشنهاد میکنم برای تشکیل کمیسیون رأی گرفته شود (مدبر الملک)  
مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد میکنم یک کمیسیون سه نفری تشکیل و طریق شورای این پیشنهاد را معین کند .

(آقای سید یعقوب)  
بنده پیشنهاد میکنم چون این موضوع مطلب است مطابق ماده دوازدهم از فصل سیم نظامنامه داخلی کمیسیون خاصی که همه آن را مجلس معین خواهد کرد از اشغالات انتخاب و مطلب در آن کمیسیون حل شود ( سردار فخر )  
بنده تجدید میکنم پیشنهاد سابق خودم را که چون این مطلب پیشنهادی مشمول ماده دوازدهم است و در آنجا تکلیف تقریباً معین شده است یعنی نوشته شده است که اگر مطلب در شعبات حل نشد و احتیاج بشکلی کمیونی بود باید کمیسیون برای حل قضیه انتخاب شود لذا بنده تمهید کرده ام که کمیونی انتخاب شود و این فقره بکمیسیون مراجعه گردد .

این مسئله نه مطلب است نه لایحه است ولی حالا که تشخیص بمطلب می دهند این جا در اصل سی و نهم قانون اساسی راجع به مطلب می نویسد اگر مورد استعمالش در این جاست اجرا بفرمایند و اگر هم نیست که هیچ .  
رئیس - این پیشنهاد آقای مصدق السلطنه هم همان میباید که پیشنهاد آقای یاسانی داشت دارد . قانون اساسی مطلب را بیک معنای دیگری استعمال کرده است نظامنامه به معنای دیگری مطلب که در اصل سی و نهم نوشته شده است همانست که در نظام نامه باسم طرح نوشته شده حالا اصل سی و نهم قانون اساسی و ماده سی و سوم نظام نامه را می خوانند این طور هست یا نه :

(آقای آقامیرزا شهاب بضمون ذیل قرائت نمودند)  
اصل سی و نهم هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضاء مجلس عنوان شود فطرتی مطرح مذاکره خواهد شد که انلا یا زنده نفر از اعضاء مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتبا بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره فرار بدهد ماده سی و سوم هر طرحی را که نمایند پیشنهاد میکنند باید بطرز قانون ماده بنامه نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آنست بوده باشد .  
طرح مذکور پس از آنکه ۶ نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتبا به رئیس داده میشود میتواند آنرا بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید .  
رئیس - در نظام نامه مطلب بلغظ طرح و انجمن تحقیق به انظ کمیسیون مبتکرات ذکر شده باید رأی گرفته شود .  
مصدق السلطنه در صورتیکه قبول نشود بنده استرداد میکنم  
رئیس - استرداد میکنید ؟  
یاسانی - بلی  
رئیس - آقای مصدق السلطنه ( اجازه )  
مصدق السلطنه - اصل سی و نهم و چهارم قانون اساسی راجع به مطلب یک شرحی نوشته شده است :

چندین مسائلی که خیلی در پرت پیشنهاد شده است جزء دستور گذاشته میشود این مسئله که اشکالی ندارد و بتأخیر میاندازند خوبست امر بفرمائید در جلسه آتی اول دستور بگذارند که افلا روش بنایند و تکلیفش معلوم شود .  
رئیس - چون خیلی عقب افتاده است جلوتر از همه میاندازیم و اول دستور میگذاریم و مقدم خواهد بود بر سایر موادی که گفتیم .  
آقای حاج میرزا عبدالوهاب ( اجازه )  
حاج میرزا عبدالوهاب - عرض بنده اینست که زودتر تکلیف این کمیسیون معلوم شود که تا روزیکشنبه راپرت خورد را داده و جزء دستور شود  
رئیس - عرض کردم پیش از این که تشریف ببرید بنائول تشریف ببرید بشعبها و تکلیفش را معین کنید .  
آقای دولت آبادی ( اجازه )  
حاج میرزا یحیی - بنده با حضور وزیر مالیه خواستم یک عرض بکنم که ایشان تشریف بردند .  
رئیس - شاهزاده شیخ رئیس شاهزاده شیخ رئیس - عرضی ندارم .  
رئیس - آقای دست خیب ( اجازه )  
دست خیب - سؤالات راجع بوزراء .  
رئیس - راجع بدستورات  
دست خیب - بلی خواستم عرض کنم اطلاع بدهید بوزراء که روزیکشنبه بیایند و جواب سؤالات را بدهند این قدر که نمیشود بتأخیر انداخت  
رئیس - دیگر اظهاری نیست ؟ آقای هرمزی ( اجازه )  
هرمزی - بنده يك تذکری میخواهم بدهم راجع با آقای معاضد السلطنه که ایشان دو ماه است و مسکول شده اند و در وزارت هم باقی هستند .  
رئیس - معاضد السلطنه جزء دستور نیست . آقای اشگر ( اجازه )  
اشگر - از طرف کمیسیون مبتکرات چهار فقره راپرت داده شده است سه فقره اش راجع دستور مقرر فرمودید . بنده استدعا میکنم مقرر بفرمائید فقره دیگر هم جزء باشد .  
رئیس - کدام راپرت .  
اشگر - عرض کردم چهار فقره راپرت از طرف کمیسیون مبتکرات تقدیم شده است سه فقره آن جزء دستور شده است استدعا دارم فقره دیگر هم جزء دستور بشود .  
رئیس - راجع بچه موضوع است ؟  
اشگر - راجع بتفسیر سه ماده از قانون استخدام است و کمیسیون آن هم معین شده

جلسه ۳۲  
صورت مشروح مجلس  
یوم یکشنبه هشتم  
سرطان ۱۳۰۳  
مطابق بیست و بیجم  
ذی قعدة ۱۳۴۲  
مجلس سه ساعت قبل از ظهر  
بریاست آقای مؤتمن الملک  
تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم پنجشنبه پنجم  
سرطان را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند  
رئیس - آقای سید همدان راقاب بدون اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند .  
آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
آقا سید یعقوب آقای سید همدان یک اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون هم راپرت آن را تقدیم هیئت رئیسه نموده درست نمی دانم از نظر آقای رئیس گذشته است یا نه ؟  
رئیس - امروز رأی گرفته میشود صورت مجلس مخالفی ندارد ؟  
گفته شده خیر .  
رئیس - راپرت شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای ولیمیرزا مطرح است آقای مقوم الملک گویند مخالف بودند ؟  
مقوم الملک - یکی از شرائط وکالت امانت و درستکاری است بموجب فقره ششم ماده ششم قانون انتخابات و کلا باید معروف بامانت و درستکاری باشند و جای آنکه شاهزاده ولی میرزا کامر فاقد این شرط است .  
امانت شاهزاده معصوم و لیمیرزا در غارت مالیه آذربایجان و متروکات روسها و اظهارن السس است  
دوسه انتخابات آذربایجان باین مطالب اشاره شده است ولی دوسه های وزارت مالیه کاملاً این مطلب را به ثبوت میرساند .  
بلکه چنین خالصه که یکی از املاک ملی است بنظم العداله واگذار نموده .  
میانچ خالصه انتقالی که یکی از نصیبات بزرگ است کلیه اعیان غیر مستقیم و قسمتی از اعیان مستقیم آن که راجع بدولت است بوسیله تصدی ایشان در مالیه آذربایجان چندین سال است از میان برود بدولت رسانیده است . میان دو آب خالصه .  
سالار لشکر - بی ربط میگویی این طور نیست  
( همه بین نمایندگان )  
رئیس - چه شده است ؟  
تدین - شاهزاده سالار لشکر اظهار کردند بی ربط میگویی باید حرفشان را پس بگیرند  
سالار لشکر - پس میگیرم ولی میان دو آب نبوده است

مقوم الملک - بنده گمان میکردم اگر یک نماینده اجازه بخواهد و بیایدیست تربیون آقایان باید اجازه بدهند که اگر اظهاراتی دارند بنده بگویم و بیایند اینجا اظهارات خودشان را بنمایند .

میان دو آب خالصه یک بلوک است که بقدر شمه عایدات دارد کلیه عایدات غیر مستقیم و قسمت اعظم عایدات مستقیم آن را بوسیله غیر قانونی و غیر مشروع میبرد سنی در کالت این آقایان برای بردن عایدات املاک ملی و نپرداختن جزء جمع و منال دولتی است .

باروق شداند که از خالصه جات جدید معدله میزانی است در بلوک آن بر آفوش بدون اینکه از وزارت مالیه اجازه گرفته باشد به بانک این قریه را بصرف دیگری داده و از طرف مدعی بدون مدرک و سند و کالت نموده در صورتیکه نماینده دولت و امین مالیه آذربایجان بوده است در هنگام تصدی مالیه خالصه جات آذربایجان که قبل از ایشان بدون آفت با جاره رفته بود با بودن قانون تشکیلات مالیه بدون اجازه وزارت مالیه قریب سیصد هزار تومان تحقیقات داده مثال خالصه جات کرمان که از املاک ملی است بوسیله آشنائی ایشان با اصول و اوضاع مالیه و طریق استغناء مثال آن املاک را که بقیه بخش برده بودند بدون تصویب دارالشوری ملی ثبت نموده و بعد بمرم بیچاره کرمان بقیه کراف فروخته چون جزء جمع ثابت دارد .

فرداست که مالیه همان منار سابق را مطالبه خواهند نمود و وجه خریدارها از میان خواهد رفت .

جای دوری نمیروم یافت آباد خالصه را با چهل فرد گاو موجود و سه سنک آب وا گذار شده بوسیله و کالت آقایان سه سنک آب سی سنک شده که سی هزار تومان قیمت دارد میبرند بدون تصویب مجلس شورای ملی و در عوض و سفار خالصه که یکی از املاک ملی است از بی آب آب شراب شده است . بازی بطور اختصار عرض میکنم که یک مجلس تحقیق معین فرمایند بنده از روی دوسه های مالیه ثابت میکنم که شاهزاده محمد ولی میرزا بیش از صد کرور تومان سوازی این مراتب مروضه خیانت ببالیه دولت نموده و کاملاً فاند امانت و در ستکاری است

وکیل الملک مغیر شعبه - بنده ابتداء تصور کردم آقای مقوم الملک در جریان انتخابات میخواند فرمایشی فرمایند ولی در آنوقت هیچ نفرمودند و مذاکرات را راجع به صلاحیت شخص پیش آوردند و بنده در اینجائیل نکرده راجع به صلاحیت شخصی چون اطلاعاتی ندارم حرفی بزنم ولی چون اشاره بدوسه کردند و گفتند که در دوسه یک قسمت از اینهاست باینجه بنده مجبور عدم هر ارضی عرض کنم در دوسه انتخابات

آذربایجان هیچ همچو چیزی نیست شکایتی از آذربایجان راجع بنام نمایندگان آنجا رسیده بود و نسبت با آقای معدولیمیرزا فقط نوشته بود که در مالیه آذربایجان افراط و تفریط نموده اند این است که بنده عرض میکنم آقای مقوم الملک یک شرحی اینجا روی کلاف نوشته بودند که آنرا قرائت نمودند و بنده خیلی تعجب کردم که بطور ایشان میخوانند با شرحی که روی یک ورق کلاف نوشته اند صلاحیت نمایندگان را از یک نفر سلب کنند در صورتیکه آن شخص در دوره چهارم ست نمایندگی داشته است و در صورتیکه مسائلی را که اینجا بیان نمودند هنوز بر هیچ کدام معرزه نشده است معلوم نیست صحیح است یا نه بهتر این بود که آقای مقوم الملک بنگاه قبل یادوم قبل در عدلیه قسمتهائی که شاهزاده معدولیمیرزا راجع به بیانات ببالیه دولت نسبت دادند مطرح می نمودند و ایشان هم حاضر شده معاصمه میکردند و هر چه مال دولت را ثابت میکردند ایشان برده است پس میگرفتند و حالا اگر هم فرض کنیم فرض محال که یک نفر یا چند نفر مال دولت را خوردند باین حال سلب صلاحیت و حقوق مدنی از آنها نمی شود زیرا سلب حقوقی مدنی یک چیز آسانی نیست و تادریک محکمه صلاحیت داری ثابت شود سلب صلاحیت از او نخواهد شد .

رئیس - آقای ضیاء الواعظین .

(اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده مخالفم .

رئیس - فرمایند .

ضیاء الواعظین - بنده تصور میکنم شرط اعظم نماینده گری صلاحیت و کبالت یا اربان مرکز نقل مملکت است باید برای مملکت خدمات شایسته کند اعتماد و ایمان ملت را بخود جلب کند در صورتیکه نمایندگان محترم صلاحیت و کبالت را از نظر معروضه در صورتیکه نمایندگان محترم درست متوجه این نکته نباشند ممکن است توجیه ملاتز آنها سلب شود . آقای مغیر شعبه فرمودند که در قسمت صلاحیت بنده زیاد صحبت نمودم بنده اینطور شنیدم .

مغیر - شیر بنده اینطور عرض نکردم . ضیاء الواعظین - فرمودید قسمت صلاحیت بطور مغیر - حالا جنابمائی فرمایند بنده عرض میکنم .

ضیاء الواعظین - در اینصورت باید سعی کرد که همیشه نمایندگی نمایندگان را از نقطه نظر صلاحیت نگاه کرد . آقای مقوم الملک اطلاعات کاملی از وضعیت وزارت مالیه دارند ایشان باینکه اطلاعات جامعی استند تهیه کرده و تقدیم مجلس شورای ملی کرده اند البته اشکار نمایندگان - نمایندگان گانی که همیشه میبایستی خود را به صلاحیت بین جامعه معرفی کنند - باید قضاوت کنند . اشکالی ندارد تقاضا بکنند که کمیسیون

تحقیق از طرف مجلس شورای ملی مجلس شورای ملی معین شود اسنادیکه ایشان تهیه کرده اند آن اسناد تسلیم کمیسیون شود بنده هم موافق هستم برای یک دهم که باشد مجلس شورای ملی یک کمیسیون تحقیق معین کند اعتبارنامه شاهزاده معدولی میرزا به آن کمیسیون برود و در آن رسیدگی و مطالبه شود کمیسیون نظریات خودش را به مجلس شورای ملی تقدیم کند و بنده هم موافقم باینکه کمیسیون تحقیق از طرف مجلس معین شود .

مغیر - بنده عرض نکردم در مجلس نمیشود در صلاحیت اشخاص حرف زد عرض کردم عدم صلاحیت وقتی در مجلس معرزه میشود که در یک محکمه قانونی اشخاص محکوم شده باشند وقتی که محکوم شدند معلوم شد صلاحیت ندارند ممکن است ایشان وارد کرده این را هم که فرمودند کمیسیون تحقیق معین شود اینهم هسته برای مجلس است ولی خوب بود آقای مقوم الملک این مسئله را بشعبه هم مراجعه میکردند .

رئیس - آقای معدولیمیرزا .

(اجازه)

معدولیمیرزا - بنده خیلی خوشوقت هستم که آقای مقوم الملک فهرست خودشان را نسبتاً اختصار داده بودند و بالاخره قائل نشده بودند که بنده باین جنبه معین تمام آذربایجان را ملک شخصی و بلع کرده ام لذا این نقطه نظر تشکر میکنم ولی از طرف دیگر متأسفم که پشت این تربیون آقای مقوم الملک اظهاراتی فرمایند و بعد اینطور جلوه کنند که آقای ضیاء الواعظین هم مشتبه شوند آقای مقوم الملک اینجا یک چیزهایی فرمودند که ملک میان دو آب - یافت آباد - میانج و غیره ممکن بود تمام حدود و ثغور آذربایجان از یک طرف رودارس و از یک طرف کوه قانلانکوه را بگیرند فلانکس بلع کرده و اظهار کردند که آقایان قضاوت کنند و بنده را محکوم نمایند بنده قبلاً خود را محکوم میدانم . شما ممکن بود بفرمایید آذربایجان را فلانکس بلع کرده ولی متأسفانه اینطور نیست و سرور هستم از اینکه اشخاصی از سوابق بنده در آذربایجان اطلاع دارند وقتی این حرفها را بشنوند مضحکه کرده و تعجب خواهند کرد که چگونه در مجلس شورای ملی یک چنین صحبتها و مذاکرات بی اساسی میشود حالا بنده یک هر ارضی عرض میکنم و قضاوتش باز متوسط است بنظر بنده آقایان .

در قسمت خالصه جات فرمایشی را که آقای مقوم الملک فرمودند در آنوقت ایشان در جوشقان و نظر مشغول میبزی بودند و اطلاعی ندارند که مالیه آذربایجان چه صورتی داشته است تصور میکنم از آن روزی که در قریب مضی نسبت بنمایند کمی

ایشان امضاء شد از آنروز ایشان اینطور عصبانی شدند و از آن روز تا اکنون قریب بیست روز است که میگذرد چرا می نگرند مدار گیریدست بیاورند .

اگر ایشان در این باب سنی کرده بودند حتی خود بنده هم حاضر بودم اطلاعاتی راجع ببالیه آذربایجان بایشان بدهم که اظهارات آنها مؤثر تر از فرمایشاتی بود که فرمودند علاوه در قسمت اول مأموریت بنده در آذربایجان فعال املاک شاه و مغتاز کل نبوده ام بنده معاشرت یک نفر بلژیکی را داشتم و فرمایشاتی که فرمودند هیچ اساس نداشت راجع به ملک چکه چون ناظم العداله که فرمودند بنده بایشان واگذار کردم همه آقایان رفقای بنده که اینجا هستند میدانند که آجا یک دوسه منصفی دارد و این امر هم هیچ مربوط به بنده نبوده است آنجا یک ملک بود است و این مسئله در موقتی بوده است که حکومت تازه در منتهی درجه قدرت بود و طرفت من هم باعث شد که بنده نتوانستم در آذربایجان با قامت خود ادامه دم و حتی یک روز هم صورت توقیفی بین دادند و یک اشخاصی را تریک کردند که ریختند در مالیه و اینها تمام منشأ مخالفت بنده با حکومت جابر آن زمان روسیه و کوشش بنده برای حفظ حاکم دولت بود و راجع باینکه فرمودند کمیسیون تحقیق انتخاب و بدوسه ها رسیدگی کند عرض میکنم بیا بودن اداره مالیه با این عرض و طول و در آنوقت مستشارهای امریکائی جنابمائی اینقدر نمی توانستید که این مسئله را در آنجا مطرح نمایند تا بنده هم حاضر شده و اشخاص دیگر هم بیایند رسیدگی و تحقیق نمایند تا در اینجا اوقات آقایان نمایندگان بدون جهت صرف یک چیزهای بی اساسی نشده باشد .

راجح بکرمان و یافت آباد چیزی راجع بیان دو آب تصور میکنم آنجا را آقا ندیده اند ملک خیلی بزرگی است و بنده با آقا اطمینان میدهم کدر هم هیچ وجه در موضوع آنجا مداخله نکرده ام و اشتباهی که آقا فرموده اند این است که در آنجا مایک قسمت املاکی داریم موردی بنده هم اشیاع نکرده ام و ممکن است آقا پیشنهاد بکنند که آن املاک هم ضمیمه میان دو آب شود .

اما راجع به باروق مجتهد این مسئله دیگر مجسم میکند اسناد قویه آقای مقوم الملک را که اینجا اظهار نمودند مدعی ملک باروق الان هم در طهران است این ملک در سابق از املاک معدولی میرزا بوده است و سه دانگ آن حالت معاوضه پیدا کرده است یعنی شداند آن متعلق به مرحوم مجتهد آقای حاج میرزا حسن طالب تراه بوده است و سه دانگ آن بین آن مرحوم و معدولی میرزا یک معاوضاتی

شده و موقتی که حکم شد املاک معدولی میرزا جزء خالصه شود از طرف اداره خالصه حکم کردند که سه دانگ مرحوم حاج حسن آقا هم باید خالصه شود در صورتی که ایشان مدتها در دست بودند که ملک خودشان را از خالصه دولت مفرود کنند و بطوری که شنیدم جدیداً در وزارت مالیه یک کمیسیون تحقیقی بنا بود تشکیل شود که تحقیقاتی در این باب نموده و به آن استاد رسیدگی نمایند و بطوری که اخیراً هم شنیدم ام گویا رجوع کرده اند باستاد خزانه دولت و از آنجا یک اسنادی بیرون آمده که کاملاً بره و رتبه مرحوم حاج حسن آقا بوده است گویا حکمش هم نوشته شده و در اداره خالصه جریان اداری را طی کرده و رفته است برای امضای د کتر ملسیو و این اطلاعی بود که چند روز قبل یکی از همکاران محترم بنده نماینده آذربایجان پس دادند دیگر از فرمایشات آقای مقوم الملک بنده چیزی نفهمیدم فقط همین بود و ممکن بود تمام آذربایجان باینکه از رود ارس هم عبور نموده و در همسایگی آن زنجان را هم ضمیمه نموده بفرمایند من بلع کرده ام ولی اینها تمام صحبت است و بنده با کمال قوت قلب بحسبیت و قضاوت آقایان نمایندگان امینوارم و یقین دارم دلایل مست و بی پایه آقای مقوم الملک بر قضاوت آقایان نمایندگان تأثیری نخواهد کرد و بنده با کمال سر بلندی و سرفرازی انتظار قضاوت آقایان نمایندگان محترم را دارم .

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

(گفتند کافی است)

رئیس - تقاضای رأی مغفی شده است قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیناله ارکانه

ما امضاء کنندگان ذیل راجح بنده نماینده کی شاهزاده محمد ولی میرزا تقاضای رأی مغفی مینمائیم

(یک نفر از نمایندگان - چند امضاء دارد)

آقا میرزا شهاب - شانزده امضاء

سردار معظم - امضاء ها قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ضیاء الواعظین - ناصر الاسلام .

عزالمالک - کاشانی . سید یعقوب . شیخ عبدالرحمن . آقا میرزا شهاب . مقوم الملک . سید محمد . سلیمان میرزا . شریعتزاده . حاج میرزا علیرضا . شیخ فرج الله . میرزا آقاخان مصر انقلاب . یاسائی . الموتی . رئیس - کی ها امضاء ایشان را مسترد داشته اند ؟

سردار معظم - آقای حاج میرزا علی رضا . آقا شیخ عبدالرحمن .

امضاءها را بیکسرتبه دیگر بخوانید آقا سید یعقوب - اجازه فرمائید .

(با حرارت) چند مرتبه بخوانند در اینجا مگر رأی مغفی گرفته شد بنده عصبانی میشوم . دومی روس هم اینطور نیست می مکرر مکرر . . .

(صدای زنگ - دعوت بسکوت)

رئیس - خیلی عصبانی نشوید .

آقا سید یعقوب - اجازه میخواهم حرفم را بزنم بنده از میدان در نمیروم .

رئیس - آقا فرماید قرائت شود برای اینکه بعضی امضاءها را بنده نمی توانم بخوانم . . .

آقا سید یعقوب - اجازه بدهید عرضم تمام بشود .

شریعتدار - اولاً خاطر محترم آقایان نمایندگان را متوجه میکنم باینکه خوبست در این اعتبارنامه ها مقتضیات سیاست را صرف نظر کنند . . .

رئیس - حالا موقعش نیست .

شریعتدار - میخواستم عرض کنم خوبست اصلاً این اعتبارنامه را از دستور امروز خارج کنید .

(همه بین نمایندگان)

رئیس - رأی میکنیم .

صوت السلطنه - استدعا میکنم بفرمائید مجدداً قرائت شود .

رئیس - امضاء شما کجاست .

صوت السلطنه - خواستم بدانم چند امضاء است .

رئیس - آقای مقوم الملک چند امضاء بوده است ؟

مقوم الملک - هیجده امضاء داشت .

(جمعی از نمایندگان - قرائت شود)

آقای رئیس امضاءها را بشرح ذیل قرائت نمودند

ضیاء الواعظین . ناصر الاسلام . عزالمالک . کاشانی . آقا سید یعقوب . الموتی . شهاب . مقوم الملک . سید محمد . سلیمان میرزا . شریعتزاده . علیرضا . شیخ فرج الله . میرزا آقاخان مصر انقلاب . یاسائی . رئیس - دیگر چیزی نیست .

صوت السلطنه - بنده هم امضاء میکنم

رئیس - خوب بنویسید بهیچ

رأی میکنیم بوکالت شاهزاده محمد ولی میرزا - آقایانیکه تصویب میکنند کلوله سفید و الا کلوله سیاه خواهند داد .

مغیر - اولاً قبیل از یک موضوع ( اجازه میفرمائید ) چندی قبل یک رأی منفی گرفته شد دو نفر از آقایان بیرون یا بنده مذاکره کردند حتی بر خود بنده هم اشتباه شده بود استدعا دارم توضیح فرمائید مهرة سفید را کجا و مهرة سیاه را کجا باید انداخت .

رئیس - لازم است ؟

مغیر - بلی برای این که در سابق یک تریبی معمول بوده و حالا آن فرمول تغییر

کرده چنانکه یک مهره ابتداء میاندازند توی ظرف چینی و یک مهره هم در توی کیسه و بعضی از آقایان عقیده دارند که مهره سفید شان را در این ظرف چینی بیهازند خوبست آقای رئیس توضیح بفرمایند تا همه آقایان ملتفت بشود .

زیرا لان بعضی از آقایان در اشتباه هستند از جمله آقای آقا شیخ فرج الله .

رئیس - حالا مهره میدهند آقایان رأی میکنیم عرض میکنم آقایانیکه و کالت شاهزاده محمد ولی میرزا را تصویب میکنند مهره سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمیکنند مهره سیاه میدهند آقایان تشریف بفرمایند بآقایان میبندد بعد تشریف میآورند بعد از آنکه مهره تقشبه گرفته شد رأی خودشان را اعم از سیاه یا سفید در این ظرف کوچک میاندازند تشریف میآورند بالا مهره دیگری میاندازند در ظرف بزرگ بعد یک مهره دیگری که پیششان بمانی مانده خواهند انداخت توی ظرف چرمی ( در این وقت اخف واستخراج آراء بعمل آمده و نتیجه قرار ذیل حاصل آمد )

مهره تقشبه ۱۰۶ مهره سفید ۶۵ مهره سیاه ۳۸

رئیس - عه حضار ۱۰۸ مهره سفید ۶۵ با اکثریت نام تصویب شد

نمایندگی آقای نظام التولیه مطرح است آقای رئیس التیجار مخالف بوده اند .

رئیس التیجار - بنده چون بسکومت راجع بطرز جریان انتخابات مشهد را در چندی قبل عرض کردم . . .

تدین - بنده راجع باعتبارنامه تقاضائی دارم .

رئیس التیجار - بنده چون بسکومت راجع بطرز جریان انتخابات مشهد را در چندی قبل عرض کردم . . .

تدین - بنده راجع باعتبارنامه تقاضائی دارم .

رئیس - تأمل فرمائید صحبتشان را بکنند .

تدین - پس از صحبتشان

رئیس - پیش از صحبت بفرمائید اگر نظامنامه اجازه میدهم . . .

تدین - خودشان قبول میکنند ( در این موقع آقای رئیس التیجار بعمل خود مراجعت نمودند )

رئیس - آقای تدین .

(اجازه)

تدین - بنده تقاضا میکنم که فلا راپرت نمایندگی آقای نظام التولیه از دستور خارج شود مقصود این بود که میخواستم قبل از فرمایش آقا عرضی بکنم

رئیس - رأی میکنیم آقایانیکه تصویب . . .

از طرف نمایندگان - مخالفی ندارد .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(گفتند خیر)

ولی چون تغییر دستور در رأی میکنم

آقایانی که تصویب میکنند اعتبارنامه آقای نظام التولیه از دستور خارج شوند قیام کنند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

نمایندگی آقای سردار نصرت مطرح است آقای الموتی مخالف بودند .

رهنما - بنده راجح بدستور عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

رهنما - بنده تقاضا میکنم که از دستور امروز خارج شود .

( از طرف بعضی از نمایندگان مخالفی )

رئیس - رأی میکنیم آقایانیکه تصویب میکنند که راپورت شیخ ۲ نسبت بوکالت آقای سردار نصرت از دستور امروز خارج شود قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد .

راپورت راجح آقای امیر احتشام مطرح است آقای آقا میرزا شهاب الدین مخالف بودند

ناصر الاسلام بنده تقاضا میکنم اعتبار نامه ایشان هم از دستور امروز خارج شود الموتی - بنده هم تقاضا میکنم که از دستور امروز خارج شود .

رئیس - رأی میکنیم آقایانیکه تصویب میکنند راپرت شعبه یک راجح باعتبارنامه آقای امیر احتشام از دستور امروز خارج شود قیام فرمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

آقای آقا میرزا شهاب الدین ( اجازه )

آقا میرزا شهاب - ( خطاب به آقای رئیس اسنادیکه از دوسه استخراج شده مقرر فرمائید بیاورند )

رئیس - ( خطاب به آقای شریعتزاده ) تشریف بفرمایند آن اسنادیکه دوشبه است بیاورید بهیچ به آقای آقا شهاب الدین آقا میرزا شهاب - بنده قبل از اینکه اوراتی که از دوسه راجح بچربین انتخابات م . . .

( که یکسال طور کشید ) استخراج کرده ام حاضر شود میخواهم من بابت آن که به آقای مغیر عرض کنم انتخاباتی که احتمال میروند متشوش یا مغرور باشد بطور سراحت در خبریکه تقدیم مجلس میشود نویسد تمام شکایات مراجه وقت شده هیچ قسم مدارگی که اثبات هر ارض آنها را بکنند نبوده است اینطور باین سراحت نویسد احتمال میروم یک اسنادی یک شکایاتی باشد که ثابت کند که انتخابات بوجه صحت نبوده است بنده یک قسمت اوراق از دوسه استخراج کرده بودم برای اینکه میخواستم آن اوراق را اینجا بخوانم ولی حالا آقایان



ارطراف پنده مینویسند که پنده مختصر کم ... مدرس- شما نشنود . آقا میرزا شهاب - پنده هم مختصر میکنم ولی پنده يك وظیفه دارم چونکه وسیله شکایات اهالی هم که درایندت از انتخابات میکردند يك قسمتش خود پنده بودم ابتدای انتخابات هم شروع شد از کابینه آقای مشیرالدوله و خیلی خوشحال هستم که ایشان اینجا تشریف دارند و اگر يك قسمتش هم در کابینه آقای مستوفی السالمک بوده است ایشانهم اینجا تشریف دارند میتوانند عریض بنده را تصدیق نموده یا تکذیب بفرمایند و ممکن است پنده خلاف واقع عرض کنم ولی وقتیکه ایشان بفکر خودشان مراجعه کنند یا بدوسیبه وزارتخانه مامول میشود و حالا که نباشد پنده بطور اختصار در انتخابات هم شده است و کم است و عبارت از عملیات و اقداماتی است که در آنجا شده و حقیقه خیلی خوشوقت از اینکه آقایان تقاضا کردند که در مجلس تمام را نگویم زیرا در يك ملک آزادی این قبیل مسائل خارج از آزادی است .

ما نفهیدیم این بود که استفسارند. انجمن سوم تشکیل شد حالا چه پنده است آنها را بنده نمیگویم فقط همین قسمت را عرض میکنم که هر گاه آقای ممبر از دو سه شکایاتی که شده است يك چیزی استغراج کرده اند و يك مجوز قانونی برای استلال انجمن نظارت اولیه که در هم از طرف حکومت برخلاف قانون انتخاب شده بود بدست آورده اند به پنده هم بفرمایند تا بنده هم متقاعد شوم بنده که هر چه باین دوسیه مراجعه کردم چنین مجوز قانونی ندیدم وزارت داخله و شعبه انتخابات مراجعه کردم آنجا هم چیزی نفهیدم بنگرانانی که بتوسط خود بنده و دیگران رسیده بود و همچنین در کابینه ریاست و وزراء تمام اینجا ها را بنده مراجعه کردم يك مجوز قانونی برای اینکار پیدا نکردم درست آباء هم شنیدم كه همچو سکاری کردند دولت تصویب نکرد که انجمن نظار اولیه منحل شود و بدون مجوز قانونی انجمن دیگر بجای او معین شود . ( آقای سردار معظم با دست- تحصیل اجازه نمودند )

حالا که آقای سردار معظم اجازه میخوانند که از عملیات آنجا دفاع کنند بنده هم گوش بعرف آقایان نفهیدم و اجازه میخوانم این دوسیه و احکامی را که ایشان داده اند که آنجا مردم را با قهر از تکرانخانه خارج کرده اند بخوانم آقای مشیر الدوله اینجا حاضر هستند که کسی تلگراف کردند شکایت کردند که ابالت وقت نظریات خصوصی در اینکار دارد از اینجا از طرف آقای مشیر الدوله و وزارت داخله تلگرافاتی شد و بالاخره گفته متفشی بفرستید آقای دیوان بیکی را بدست تفتیش فرستادند مردم دو مرتبه شکایت کردند که ما از آقای دیوان بیکی شکایت کرده ایم و ایشان را منصف کرده ایم .

ایالت جلیله مطابق ماده ۱۰۸ نظام نامه تحت نظارت آقای دیوان بیکی حکومت وقت انجمن نظارت هم با توافق نظر اهالی از اشخاص ذیل تشکیل شده آقای آقا شوکت السالمک - سالار اسد - میرزا سید محمد خان - ناصر السالمک - آقامحمد علی رئیس - التجار - آقای آقامیرزا هدایت الله خان - آقای حاج شوکت السالمک از حضور در انجمن هند خواسته بتصویب آقای دیوان بیکی معتمد - المراد بجای ایشان تعیین شدند - سواد مرسله تحت شماره ۱ انجمن نظارت که به آقای دیوان بیکی مینویسه وهم سواد مرقومه تحت شماره ۵۰ مورخه بیست و دوم سرطان که آقای دیوان بیکی انجمن نظارت جواب نوشته است کمالا رعایت خود را از تشکیلات آنان و انتخاب هیئت رئیسه اظهار میدارد در این بین آقای دیوان بیکی از حکومت منصرف و کفالت حکومت بم از طرف ابالت جلیله بر طبق تلگراف تحت شماره ۱۹۵۹ با آقای رفعت السلطنه وا گذار شد در همین حال بر طبق مرسله کفیل حکومت مورخه ۳۰ سرطان و بر طبق تلگراف شماره ۲۱۱۲ ایالت جلیله انتخابات را تعطیل میسازد .

دوم - انجمن نظارت برخلاف ماده ۱۰۸ قانون انتخابات تشکیل شد زیرا که در انجمن نظارت نه از طبقه تجار نه از اصناف نه از مستدین محل کسی عضویت داشته است سوم - تعرفه هائی که داده شده اغلب دارای چهار مهر میباشد ( این را بنده اعتراض نمیکنم ) چهارم - از بیست هزار نفر جمعیت بم که تقریباً چهار هزار نفر آنها حق گرفتن تعرفه دارند فقط سیصد و خورد تعرفه داده شده آتم بزراعت مستخدمین طبقه سردار مجلل پنجم - انجمن نظارت تراشیر سبار بوده است فقط در دهات سردار مجلل و اقاوش تعرفه داده و اخذ رای نموده اند بقیه مردم را از این حق مشروع ممنوع داشته اند ششم - اعضاء انجمن نظارت چهار نفر آنها اخوان و اقارب بلا فصل سردار مجلل حکومت وقت بوده اند تقاضا داریم بموارد اعتراضیه رسیدگی کرده و جواب التفات فرمائید .

هفتم - برخلاف ماده ۳۵ اوراق رای فوراً معدوم شده است . برای استحضار عین ماده ۳۵ را تذکر میدهم ، ماده ۳۵ بلا فاصله بعد از شماره و استغراج آراه رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان میباشد و اوراق انتخابات را تا انضال انجمن نظار محفوظ میدارد و در آن هنگام در محضر حکومت و حضور جمعی وجوه محل اوراق مذکور را معدوم میکنند باستثنای آنها که در مواد قبل ذکر شده باید ضمیمه صورت مجلس بشود . برخلاف ماده ۳۸ پس از تفکیک آراه دوسیه انجمن نظارت تسلیم اداره حکومتی شده است و این مخالف ماده ۳۸ است و این هم امضای اهالی محل است این بوده است شرح خلاصه از جریان انتخابات آنجا و تمام اینها که عرض کردم بموجب تلگرافات ریاست و وزراء عظام و تلگرافات وزارت داخله همچنین تلگرافاتی که مابین انجمن نظار بم و کرمان مخابره شده است . اینجا هست اگر آقایان تردیدی در صحت عریض بنده دارند ممکن است تمام این اوراق را بخوانم تا معلوم شود که انجمن نظار مرکزی بم را برخلاف قانون که ابالت حق نداشتند است انتخاب کرده است و اگر بنا باشد باین ترتیب رفتار شود هیچ انتصابی صورت نخواهد گرفت زیرا هر کس عضو انجمن شد بعد از آنکه فقیه که ریاست وزراء میتواند او را منصف کند یا ابالت میتواند او را سبس یا تجدید بکنند دیگر حاضر نخواهد شد

مثل اینکه بکنفر از مأمورین را که بیکی از نقاط فرستاده بودند از آن محل تبعید کردند . تلگرافی که بوزارت داخله بریزانین المابین خان کرده اصل تلگرافش اینجا هست . سوم - تعرفه هائی که داده شده اغلب دارای چهار مهر میباشد ( این را بنده اعتراض نمیکنم ) در آنجا انجمن نظار چنانچه معمول است بدیخته بواسطه اینکه اهالی دهات سواد ندارند و در هر موقع که میخواهند تشکیل انجمن فرجه بدهند بکنفر شخص معلم که آشنایه ترتیبات نظامنامه و قانون باشد بایست فرستاده شود و برای آنجا هم در تمام نقاط مأمورینی بتصویب انجمن و بتصویب حکومت اولو دوم و سوم فرستاده شده ولی در موقعیکه دیدند آن انجمن نظارو آن مأمورین بدرد نمیخورند آن مأمورین را مجبوراً آورده و انجمن نظار منحل شد . اهالی هم در تلگرافخانه متعین شده بودند . روز در آنجا متعین بودند و تلگرافخانه بم هم خیلی کوچک و محقر است و گنجایش سیصد چهارصد نفر را ندارد . این بود که مجبور شدند در اطراف تلگرافخانه چادر زدند بعد از اینکه از طرف دولت بایالت تا کی میسرود که قضایای بم را خانه بدهد و نگذارند که بیشتر از این داد فریاد اهالی بلند شود ابالت می- گوید خود من میروم در بم با اهالی مزده داده شد که ایشان میان بنده بم اهالی داد فریادشان مجدداً بلند شد که ما از خود ایشان شکایت داریم خود ایشان می آیند برای احقاق حق ما این قضات غریبی است بالاخره تشریف میبرند به بم بموجب راپورت رئیس تلگرافخانه ( من شکایت متظلمین را نیکویم ) رئیس تلگرافخانه دولتی آنجا راپورت می- دهد که بم قهریه و سرریزه چادر متظلمین را از آنجا میکنند و مردم را متفرق می- کنند چرا برای اینکه میخواهند احقاق حق خودشان را بکنند .

که در آنوقت بوده ( آقای سردار مستتم بختیاری ) چه قضایای پیش آمده که در بم برای انتخاب ناظم التجار ۱۳ نفر کشته شدند ولی باید فقیه چه چیز باعث میشود که مردم برای انتخاب ۱ نفر خودشان را به کشتن میبندند برای اینکه او را میخواهند بدهد . اند که او در راه ملت در راه آزادی و مشروطیت فداکاری کرده است از این جهت او را خواسته اند و هم چنین در این دوره هم او را خواسته اند انتخاب کنند بلی سزاوار نیست قتل نفس بشود ولی نمیشود جلوی احصامات مردم را گرفت و قتیکه ابالت وقت و متفدین میخواهند جلوی احصامات مردم را بگیرند و نیکذارند آن اشخاص را که از روی حقیقت مردم آنها را میخواهند انتخاب کنند نیکذارند با آزادی آن و کیلی را که بستند انشو و بار عقیده دارند انتخاب کنند البته افتشاش هم میشود قتل نفس هم میشود و بنده میدانم که آقای سردار معظم با آن بیانات فصیح و بلیغی که دارند عریض بنده را تکذیب میکنند ولی آن وقت بنده هم اجازه میخوانم . و می آیم اینجا پشت تریبون این تلگرافی که دلیل صدق عریض بنده است و فرمایشات آقای سردار معظم را که در تعقیب عریض بنده می- نمایند تکذیب میکند و مرتبه برای احتضار خاطر آقایان میخوانم ولی حالانظ راپورت تلگرافی رئیس تلگرافخانه بم را می- خوانم :

( راپورت مزبور بشرح ذیل قرائت نمودند )

رایرت ششم میزان قبل از ظهر بم چون تلگرافخانه عمارتی که کفاف متعینین را بدهد ندارد در جنب تلگرافخانه قطعه زمین وسیعی است متعینین ۱۲ باب چادر زده اند امروز از طرف ایالت جلیله مرقومه خطاب ریاست تلگرافخانه بتوسط رئیس ساخانو خان باباخان اجزای خود فرستاده اند که متعینین حق چادر زدن در خارج تلگراف- خانه ندارند باید چادرهای خود بکنند و از تسمن خارج شوند خلاف گفته تنبیه و مجازات خواهند شد . یکی هم کسبه حق بستن دکا کین ندارند برون دکا خود مشمول شوند ( بنده نیفهم البته این حق که از آنها سلب شده است جز حقوق اساسی است ) یکی هم استاد انتخابات که در تلگرافخانه برسم امانت از طرف متعینین سپرده شده بگیرند ببرند متعینین را به بهمان آورده اند تا بعد چه پیش آید حسن تلگرافی ( البته مردم چکار باین فضولها کدر کار بزرگان دخالت کنند احقاق حق بخواهند . و بخواهند با آزادی و کیل انتخاب کنند . باید بصلق آنها را فرود کنند آنچه را که متعینین و ارباب انواع میخواهند دیگر این راپورت دوم است که میخوانم ،

حالا آیا اینها جزو صورت مجلس باشد بنده آن را ندیده ام صورت مجلس پیش آقای کازرونی مانده بود ایشان اشتباهات یا آورده اند راپورت دوازدهم میزان را میخوانم . دیشب پس از اقدامات قهر آمیز ریاست قشون ساعت ۸ از شبلی اصغر خان نایب آجودان بم تقی خان متعین را چند تفسیری زده اصل اسناد و دوسیه انجمن نظارت انتخابات سابق را همراه برد متعینین یکی از تأمینات خود از طرف تلگرافخانه مایوس شده و میگویند اگر تأمین دولتی نیست ما هم تقاضا حق خود را مینمایم بیشتر از این نمیتوانیم تقلم کنیم کسی بفرما ما نرسد و در تعقیب این یاس احتمالات دیگر هم میرود ( همان چیزی که عرض کردم احتمال قتل نفس میرود ) برای اجزاء تلگرافخانه هم بعد ما یا وضیات حالیه تأمین نخواهد بود ابالت هم بتقاضای آنها که قسمت همه راجع بتبیرات انجمن نظارت انتخابات بر وجه استعادت وقتی نگذاشته انتخابات خود پس را از دادن تعرفه و گرفتن آراه در طرف بیکه خاتمه دادند ( از موقی که شروع کرده اند و رای گرفته اند در طرف بیکه خاتمه بوده است ) بچهار صد تعرفه به تقاضا اطراف هم دستور داده اند که در عرض بیکه باید تمام شود معض اصلاح عرض شد .

حسن تلگرافی ( اینهم تلگرافی است که انجمن نظار همان انجمن نظار که در مرتبه سوم بمیل خودشان انتخاب کرده اند ۲ نفر آنها برای رفع مسئولیت وجدانی و برای اینکه در نزد خدا و جامعه مشمول نباشند تلگراف میکنند که همین تلگراف این است . ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدا که ارکانه کیبه ریاست الوزراء عظام سبیه وزارت داخله . این جانبان اعضاء انجمن نظارت تصدیق میکنند که انتخابات بم و ترماشیر برخلاف مقررات نظام نامدر جریان بوده انتخابات امیر احتشام بروجه صحت و مطابق قانون نشده است اعتراضات اهالی از سوجه جریان انتخابات وارد تکلیف چیست یازدهم حمل ۱۳۰۳ زمین المابین .

حالا چه وقایعی پیش آمده قضایای اتفاق افتاد که موجب شد دیوان بیکی را منصف کردند . در رفته تانی که رفعت السلطنه حکومت آنجا شد باز رفعت السلطنه همان انجمن نظار را تصویب کرد و مشغول عملیات شد حالا چه عملی موجب شد که رفعت السلطنه هم منصف شد نیکویم . در دفعه سوم آقای شوکت نظام بنیابت حکومت آقای سردار مجلس که داد اماد آقای سردار نصرت هستند در بم حکم فرما شد حالا از طرف خود ایشان بوده با دستوراتی بوده است بآن کار ندارم . آن انجمن نظار بیکه در ابتدا خود ایشان تصدیق کرده بودند حکومت اولیه هم که آقای دیوان بیکی باشد تصدیق کرده بود . حکومت تانی که آقای رفعت السلطنه باشد اینهم تصدیق کرده اند حکومت ثالث که آقای شوکت نظام باشد خودشان هم تصویب کرده اند .

مبدلک نمیدانم چه قضایای موجب شده است که آن انجمن نظار اولیه را بدون مجوز قانونی منحل کردند حالا بنده چیزی عرض نمیکنم و هر چه میخواهند آقایان تصور بفرمایند يك انجمن نظاری در تانی تشکیل دادند . انجمن نظار تانی هم بعضی هاشان حاضر شدند و گفتند علت انزال انجمن اولی را

بفرمائید این اسناد است ( ۱ ) ورقه عریض و طویل ارائه و روی زمین انداختند ) سردار معظم - بخوانید - نیندازد آقا میرزا شهاب - میخوانم . معترض هم هست . این است : برای استحضار خاطر آن ذوات محترم اعتراضات و شکایات خود را راجع بانتخابات عرض و اظهار میدارم :

در بیست و هشتم ذی حجه ۱۳۰۲ مطابق ۲۰ سرطان ۱۳۰۲ بر حسب اجازه تلگرافی

۱- انجمن نظارت اولیه مطابق مدارک جوف با نظریه دیوان بیکی و رفعت السلطنه و شوکت نظام حکومت اخیر و توافق نظر اهالی تشکیل شده بود چه قانونی حق داده است بدون شکایت انجمن را منحل سازند . ۲ مطابق ماده ۴ قانون انتخابات با شکایت راجع بانتخاب کنندگان و انتخاب و آقای رفعت السلطنه هم تحت صلاحیت ایشان تصدیق نموده و برای حوزه انتخابیه و این وطرد میرزا محمد خان را انجمن نظارت و کفیل حکومت تحت ۹ شکایتی اورا تصدیق نموده و برای معزله بگری و مرغک آقا سید علی اکبر را معرفی و کفیل حکومت تحت ۷ مأموریت ایشان را تصدیق مینمایند بقتا مأموریت خود حرکت و انجمنهای جزء تشکیل و مشغول امر انتخابات شدند بر طبق مراسلات ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲

۳- انجمن نظارت اولیه مطابق مدارک جوف با نظریه دیوان بیکی و رفعت السلطنه و شوکت نظام حکومت اخیر و توافق نظر اهالی تشکیل شده بود چه قانونی حق داده است بدون شکایت انجمن را منحل سازند . ۴ مطابق ماده ۴ قانون انتخابات با شکایت راجع بانتخاب کنندگان و انتخاب و آقای رفعت السلطنه هم تحت صلاحیت ایشان تصدیق نموده و برای معزله بگری و مرغک آقا سید علی اکبر را معرفی و کفیل حکومت تحت ۷ مأموریت ایشان را تصدیق مینمایند بقتا مأموریت خود حرکت و انجمنهای جزء تشکیل و مشغول امر انتخابات شدند بر طبق مراسلات ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲

۵- انجمن نظارت اولیه مطابق مدارک جوف با نظریه دیوان بیکی و رفعت السلطنه و شوکت نظام حکومت اخیر و توافق نظر اهالی تشکیل شده بود چه قانونی حق داده است بدون شکایت انجمن را منحل سازند . ۶ مطابق ماده ۴ قانون انتخابات با شکایت راجع بانتخاب کنندگان و انتخاب و آقای رفعت السلطنه هم تحت صلاحیت ایشان تصدیق نموده و برای معزله بگری و مرغک آقا سید علی اکبر را معرفی و کفیل حکومت تحت ۷ مأموریت ایشان را تصدیق مینمایند بقتا مأموریت خود حرکت و انجمنهای جزء تشکیل و مشغول امر انتخابات شدند بر طبق مراسلات ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲

۷- انجمن نظارت اولیه مطابق مدارک جوف با نظریه دیوان بیکی و رفعت السلطنه و شوکت نظام حکومت اخیر و توافق نظر اهالی تشکیل شده بود چه قانونی حق داده است بدون شکایت انجمن را منحل سازند . ۸ مطابق ماده ۴ قانون انتخابات با شکایت راجع بانتخاب کنندگان و انتخاب و آقای رفعت السلطنه هم تحت صلاحیت ایشان تصدیق نموده و برای معزله بگری و مرغک آقا سید علی اکبر را معرفی و کفیل حکومت تحت ۷ مأموریت ایشان را تصدیق مینمایند بقتا مأموریت خود حرکت و انجمنهای جزء تشکیل و مشغول امر انتخابات شدند بر طبق مراسلات ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲

(زین العابدین و حسین اینها ۲ نفر  
 اصنافی هستند که اخیراً مینوشته بودند.  
 اینهم یک تلگرافی است که منطور  
 پیش آمده که سردار معظم بوزارت جلیله  
 داخل نوشته اند.  
 خود آقای سردار معظم تغییر اینچنین  
 را تصدیق کرده اند منتها در وقت کمی -  
 خواهند عراض بنده را تکذیب میکنند باید  
 مجوز قانونی داشته باشد والا این تلگرافی  
 است که تغییر اینچنین را تصدیق فرموده اند  
 مقام مستر بوزارت جلیله داخله  
 ۲۰۸۵ سابق هم عرض شده است که  
 پس از وصول شکایات از جریان انتخابات  
 بمفتش اعزام و مقاربه بواسطه مراعات  
 نشدن قانون عرض کردن اینچنین نظارت را  
 لازم دانسته .  
 اینچنین اصلاح و قلم مشغول دادن تفرقه می  
 باشند اول میزان ۲۰۰۷ عبدالصمد ملاحظه  
 فرمائید مفتش انتخابات نه در آنوقت  
 درست نظر نمیست آقای دیوان بیگم است  
 یا کسی دیگر گرفته است و جایز ندانسته آن  
 انجمن دخالت کند البته انجمن که بخواهد  
 بوجه صحت انتخاب جریان پیدا کند و بعد  
 والی تمام مایشاه عمل نکنند باید عرض  
 شود خیلی هم ارفاق در حق آنها شده است  
 بلکه باید حبس و تبعید شود چنانچه یک  
 نفر رام تبعید کرده اند والا هم در ضمن  
 تلگرافی که خوانده میشود  
 بانهم میرسیم و هر وقت هم آقایان  
 خواسته تنفس شود خسته شدند بنده هم  
 مخالف نیستم تلگراف دیگری است که  
 میخوانم توسط آقای میرزا شهاب - ساحت  
 مقدس مجلس شورای ملی شیدانه ارکانه  
 کبیه ریاست وزراء عظام کبیه وزارت  
 داخله قیام انتخابات امیر احتشام مارا ناچار  
 میباید که مراتب شکایات شود و تجدید  
 خاطر آن ذوات مقدس را از این اید تا انتهای  
 انتخابات بموزامیر مستحضر بدو هم مدارک  
 کتبی که قبلاً تقدیم شده بود جریان انتخابات  
 و امیر ساند  
 در موقع تفکیک آرام چهار نفر از  
 بستگان سردار منجل عضو انجمن نظارت  
 مرکزی آرام بطوریکه ازاده داشتند  
 قزاقت بر خلاف ماده سی و پنج فوراً بلا  
 فاصله آرام معلوم فوزی هم مدموم میکنند  
 که مبارک ایالت پشیمان یافتند که آرام را  
 تفتیش بکنند) سردار منجل با اقتدار  
 است حکومتی اعتبار نامه را میخواند تقرراً  
 امضاء نماید استرحاماً تقاضا دارم عراض  
 مایه چهارگان غور رسمی امر بتجدید انتخابات  
 فرمائید  
 رضی نباشید در قرن بیستم و دوره  
 پنجم پارلمان ایران حقوق می غور غور  
 بازاده سردار منجل پشیمان شود در خانه  
 تقاضا دارم بصورتیکه نه ساله سردار منجل  
 خانه داده و بکشت رخت را از  
 چنگال این آدم فحاش دهد از طرف

اهلی میباشند یک از ارباب دیگری است که از  
 اداره انتخابات مرکز گویا نوشته شد  
 است نسیطمان از مقام ریاست وزراء این  
 رابرت را خواسته نوشته است یا از جای دیگر  
 بهر حال رابرت هم در وی اوراق دولتی که  
 نوشته اند و طرز انتخابات را خلاصه کرده اند  
 این هم همینطور پیش آمد  
 رئیس - تقاضای تنفس شده مخالفی  
 ندارم ؟  
 (گفتند شیر)  
 (در این موقع جلسه برای تنفس  
 تعطیل و پس از سه ربع مجدداً  
 تشکیل گردید)  
 آقایان شهاب - میخوانم این مسئله  
 را خدمت آقایان عرض کنم که بنده با آقای  
 امیر احتشام یک حلقه موثی ندارم که قصد  
 حله ایشان یا حذف برای ضبط تاریخ و قضاوت  
 آقایان نمایندگان ناچار شد که عراض  
 خودم را عرض کنم و از آقایانی که شاید  
 تقاضای رأی مفعی کرده اند میخوانم  
 است عا کنم که رأی مفعیشان را پس بگیرند  
 شاید اگر جریان انتخابات آقای امیر احتشام  
 به تراز این بود اول کسی که رأی ایشان  
 میداد خود بنده بودم این یک رابرتی است  
 که خلاصه انتخابات را از وزارت داخله  
 مینویسند سکرده بکابینه ریاست وزراء  
 فرستاده  
 خلاصه جریان انتخابات هم که از  
 دوسه اسالی کابینه ریاست وزراء استخراج  
 شده و بلا عرض میرسانند در موقعی که انتخابات  
 بمشروع می شود دیوان بیگم نایب الحکومه  
 بوده مطابق قانون انجمن نظارت را تشکیل  
 داده در حوزة مرکزی توابع اقدام مینمایند  
 پس از چند روز دیوان بیگم منضم شده  
 زمة السلطه نایب الحکومه میشود همان  
 جریان را ادامه داده بفاصله چند روز که  
 مصادف با توزیع تفرقه میشود زمة السلطه  
 منضم سردار منجل بنیاد بم منصوب می  
 گردد و شوکت نظام رانایب نایب الحکومه  
 می کند .  
 مطابق تلگرافات واصل از تمام  
 طبقات شکایات از انتصاب سردار منجل می  
 نمایند که در جریان انتخابات اخلاص نموده  
 و مأموریت مشارالیه در اثر قرارداد بین  
 ایالت کرمان و امیر احتشام حضور وزارت  
 خارجه است که در صورت انتخاب امیر  
 احتشام سه هزار تومان بار بدهد  
 شوکت نظام کفیل حکومت بم برای  
 نیل باین مقصود با انجمن صدمت میکنند و  
 رفیعی را تبعیه نموده است  
 در این فاصله شکایات اهالی و توضیحات  
 ریاست بفرموده است که از آنجا مورد ندارد  
 در دهم سنبله ایالت تلگراف میکند مفتش  
 فرستادم در بیستم سنبله خبر میدهد که مفتش  
 انجمن سابق را قانونی ندانسته منضم کرده  
 و انجمن جدید برای منضم طبقات تشکیل  
 گفت

داده مشغول اقدام هستند  
 اهالی بم از این اقدام شکایت کرده  
 در تلگرافخانه متحصن میشوند حتی عده ای  
 از انجمن ثانوی هم جزء متحصنین بوده که  
 ایالت بفتش اجازه میدهد که اگر عضویت  
 خود را ادامه ندهد بجای ایشان دیگری  
 تعیین شوند و انجمن ثالث تشکیل عملیات  
 را ادامه می دهند چون وصول شکایات فوق  
 الساده طغیان میکند  
 ایالت حرکت کرده به بم می رود در  
 مقابل متحصنین مأمورین ایالت بنای بر اصدالی  
 را گذارده چادرهای آنها را میکنند و به  
 امر ایالت رئیس فشنون برای تفرقه اشخاص  
 بتلگرافخانه رفته زمة السلطه را دستگیر  
 مینمایند که اداره تلگرافخانه را مرکز در این  
 باب بر رئیس دولت وقت اعتراض مینماید و  
 ضمناً یکدسته هم برخلاف متحصنین اولیه  
 در تلگرافخانه متحصن شده از ایالت و  
 انجمن و انتخابات اظهار رضایت می نمایند  
 بالاخره در موقعی که اخذ آرام هم شده بود  
 انتخابات آنجا توقیف میشود مفتش میباید  
 متحصنین از تلگرافخانه خارج و مقر می  
 شود که مامان عظم کار گذار برای تفتیش  
 برود ولی دوسه حاکی از اعزام مفتش  
 نیست و قبضه بهمانهالت باقی است و ایالت  
 در تلگراف رمز بیست و هفتم قوس به  
 وزارت داخله میگوید  
 (انتخابات حوزه بم تمام شده آرام  
 در صندوق منظم و معلوم نیست بوجه علت  
 انتخابات آنجا که فقط باید آرام استخراج  
 شود در حالت توقیف است)  
 بعد از آنکه انجمن اولی را منحل می  
 کنند انجمن ثانوی هم که تشکیل میشود  
 او را هم منحل میکنند و انجمن ثالث را به  
 میل خودشان تشکیل میدهند و بعد از آنکه  
 عملیات انجمن اولی را لغو میکنند دوم مرتبه  
 شروع بدادن تفرقه میکنند و در یک حوزه  
 دوهزار نفر جمعیت دارد (مطابق تفسیری  
 که برای انتخابات زده شده است برای  
 هر سه هزار نفر جمعیت (یک نفر وکیل منظور  
 و پیش بینی شده است) و همچو حوزه یک  
 آرام مختصری در بم بشرحی که آقایان  
 مستحضر شده اند بوسیله انجمن توزیع می  
 شود بعد از آنکه شکایات زیاد طغیان میکنند  
 و مردم هم از تلگرافخانه خارج نمی شوند  
 آنوقت برای رفتن مفتش امر به تعطیل  
 انتخابات میکنند که انتخابات تعطیل باشد  
 تا مفتش برود  
 بوجب همین دوسه در نتیجه هم میزان  
 از طرف مقام ریاست وزراء امر بتوقیف  
 یا تعطیل انتخابات صادر می شود (انتخابات  
 حوزه مالی سکه مربوط به بم نبوده  
 و شاید هم جریان آن تمام شده بود توصیف  
 میکند و از هیجدهم میزان تا بیست و چهارم  
 میزان که شش روز بعد از هیجدهم باشد  
 انتخابات بم را تمام میکند و این یک مسئله  
 است که آقای سردار معظم حالا خواهند  
 گفت

من جداً تکذیب میکنم ولی بنده هم  
 عرض میکنم مطابق این تلگرافات جداً  
 ثابت میکنم تا بیست و ششم میزان انتخابات  
 بم را ادامه میدهند تمام میکنند صورت مجلس  
 این جا نیست ولی آقای کلزونی سالها  
 فرستاده بیابوند که من دو اینجا بیخوام  
 شاید در آنجا تفرقه داده باشد زیرا بنده  
 هنوز صورت مجلس را ندیده ام مقصود  
 اینست انتخابات را ادامه میدهند و آرائی  
 که مطابق میل خودشان هست بصندوق وارد  
 می کنند  
 یک موقعیکه از آنجا خبر میرسد که  
 آرام بم استخراج شد و در نتیجه وکالت  
 آقای امیر احتشام با اکثریت هزار رأی دو  
 هزار رأی سه هزار رأی تصویب شد در  
 کابینه سکوتی از طرف وزارت داخله از  
 حکومت بم سئوال میشود باینکه انتخابات  
 بم توقیف بود قرار بود مفتش برود و در  
 این موضوع تفتیشی بکنند چه شد که  
 انتخابات آنجا از توقیف خارج و آقای امیر  
 احتشام وکیل شدند  
 حکومت جواب میدهد بر حسب امر مقام  
 ریاست وزراء عظام توقیف رفع شد در  
 صورتیکه مطابق یک تلگرافی که اینجا  
 خواندم و بوجب چندین تلگراف دیگر که  
 اینجا موجود است .  
 آقای سردار معظم کراوات تلگراف  
 میکنند وزارت داخله که علت توقیف  
 انتخابات بم که خلاف قانون است چیست؟  
 ایشان جواب داده میشود برای مشکلاتی  
 که در انتخابات آنجا پیش آمده ( که  
 یک قسمت آن در اول راپورت ذکر شده)  
 همچو صلاح دید که تا آمدن مفتش مخصوص  
 انتخابات آنجا توقیف باشد و بلاخره با  
 استناد حکم ریاست وزراء انتخابات آنجا  
 را از توقیف خارج و یک آرائی بترتیبی که  
 در آن تلگراف خوانده شد استخراج می  
 کنند و اینهم یک اعتراض دیگری است  
 زیرا دولت اگر بحق بانا حق انتخابات را  
 توقیف کرده است از یک مجرای قانونی  
 بوده است اگر میگویند توقیف انتخابات  
 برخلاف قانون بوده است و فرضاً دولت  
 یک کله خلاف قانونی داده است میبایستی  
 همان اول نفرینید و ایشان اگر اینقدر وظیفه  
 شناس بودند میبایستی همان اول حکم خلاف  
 قانون را بپذیرند ولی بعد از آنکه پذیرفتند  
 دیگر نمی توانستند با استناد تلگراف رمز  
 یا کشف انتخابات را بحریان بپندارند زیرا  
 هر کاری یک مجرائی دارد و مجرای انتخابات  
 هم وزارت داخله و اداره مرکزی انتخابات  
 است .  
 در اینصورت خوب است ایشان یک  
 تلگرافی از اداره انتخابات وزارت داخله  
 ارائه بدهند که بایشان اجازه داده باشد  
 که انتخابات توقیف شده را (بقیه ما ایشان  
 برخلاف قانون است) از توقیف خارج کنند  
 و بحریان بپندارند - همچو تلگرافی که  
 نیست .

بلکه به از آنکه آن تلگراف میباید  
 از وزارت داخله از ایشان سئوال بلکه اعتراض  
 میشود که این انتخابات توقیف بوده  
 برای چه شما آرام را استخراج کرده و  
 خوانده اید ؟  
 بنده از آقایان نمایندگان که حافظ  
 و ناظر قانون هستند استعلام میکنم که آیا  
 یک ایالتی میتواند در یک امر قانونی که  
 یک مجرای قانونی دارد با استناد امر ریاست  
 وزراء یک چنین کاری را بکند ؟  
 بله میتواند بنده اگر در کرمان باشم  
 با امر ریاست وزراء عظام میتوانم بنده را  
 توقیف بکنند .  
 ولی در یک کاری که ما میخوانیم نتیجه  
 آن یک امر قانونی باشد و در نتیجه آن یک  
 نفر بوکالت مجلس شورای ملی مینویسند  
 در یک چنین کاری نباید برخلاف قانون  
 رفتار کرد و نمیتواند از مجرای غیر قانونی  
 وارد شوند .  
 بنده عرض میکنم در یک مجرای  
 تلگراف ریاست وزراء موثر نیست البته  
 ایالت باید اوامر ریاست وزراء را بر طبق  
 قانون اطاعت کند و مطابق احکام ریاست  
 مافوق شور رفتار کند ولی در کاری که  
 حاصل و نتیجه از یک امر قانونی است  
 استناد و توسل بحکم ریاست وزراء صورت  
 قانونی ندارد زیرا مجرای انتخابات وزارت  
 داخله و اداره مرکزی انتخابات است  
 بقیه بنده یکی از چیزهایی است که  
 باید ایشان توضیح بدهند همین است که  
 بعد از توقیف چه شده که آرام خوانده شده  
 و آقای امیر احتشام انتخاب شدند و آن  
 آرام هم همان روز سوخته و معلوم شد و  
 بوجب کما یک از اوامر مرا بزرگ صلاحیت  
 دارد انتخابات را بحریان انداخته اند  
 این هم یک روزه دیگری است توسط  
 آقای میرزا شهاب ساحت مقدس مجلس  
 شورای ملی شیدانه ارکانه کبیه آقای ناظم  
 التجار کرمانی پس از تبریک سببانه لازم  
 است خاطر آن ذوات معترضان انتخابات  
 دوره پنجم پارلمان ایران مستحضر بهادرم  
 دوره اول دوم ماملت دور از مرکز گوازه مادت  
 انتخابات وکیل معلوم دوره سوم بواسطه  
 اعمال فرض یکدسته اعیان که سر دسته  
 آنها سردار منجل است در حوض انتخابات  
 وکیل میزدند و نفرین می کردند و تومانی چربیه  
 بجرم اینکجا بار اعیان موافقت نگرفته داده  
 دوره چهارم وکیل خصوصی پس  
 سردار نصرت با اقتدارات حکومت بنام  
 ملت هم بدست سردار منجل انتخاب دوره  
 چهارم پسری انتخابات پنجم قیام دوره سه  
 و چهار را تجدید بانقوذ حکومتی قضیه  
 توقیف ایالت انتخابات را در حین جریان  
 انو انجمن نظارت را بپهر منحل از اقارب  
 سردار منجل انجمن تشکیل نشود و انجمن  
 شده اند مبارکات آقای امیرزا شهاب

ریاست وزراء انتخابات توقیف تأیست و  
 چهارم میزان انتخابات را ادامه برخلاف  
 مستخدمین خود آرائی اخذ و در صندوق  
 ریخته دلیل بر تصدیق مراتب معروضه  
 مدارکی است یستاً تقدیم استرحاماً تقاضا  
 داریم تا وصول اسناد اعتراض انتخابات را  
 از توقیف خارج فرموده یابرائز توقیف  
 امر به تجدید فرمائید این هم یک  
 شرحی است که از مجلس بوزارت داخله  
 مینویسند  
 وزارت جلیله داخله  
 بشرح تلگرافی که مواد آن لفافه ارسال  
 می شود بامضاء جمعی از اهالی (بم) توسط  
 آقای میرزا شهاب نماینده محترم راجع  
 بسوء جریان انتخابات منحل و انحلال انجمن  
 اولیه و تشکیل انجمن نظارت ثانوی  
 شکایتی رسیده چون بایستی جواب شافی  
 به متشککین داده شود مقتضی است  
 علت انحلال انجمن اولی را اطلاع  
 دهند .  
 از این شرح همچو معلوم میشود که  
 مقام محترم ریاست مجلس هم انحلال انجمن  
 اولیه و تصدیق فرموده اند باز این هم یک  
 شرح دیگری است : توسط وزارت جلیله  
 داخله مقام متبوع ریاست وزراء عظام  
 دامت عظمته  
 اگر چه ناله های چکر خراش اهالی بم  
 از سوء انتخابات این حدود قضای مرکز را  
 بر کرده است چنانچه که بحکم متنفذین  
 بنام انجمن نظارت این انتخابات غیر آزادانه  
 را انجام داده ایم و جداً داخل نشویم که  
 حقوق صد هزار نفر با دست ما پایمال شده  
 این مظلمه بزرگ که فصب حقوق ملی است  
 بردوش خود حمل نمائیم لذا برای ادای  
 وظیفه عرض میکنم انتخابات بم بر  
 خلاف قانون با تهدید و تطمیع انجام  
 گرفته و ابداً دارای هیچ گونه صورت  
 قانونی نبوده است . زین العابدین حسین  
 و اتفاقاً دو نفر از اعضاء انجمن اخیر که  
 خوششان آنها را معین کرده اند بطوری  
 که مهرشان در اینجا هست این اوراق  
 شکر و تحفه را تصدیق کرده اند و بلاخره  
 این روزه بامضای یکی از علمای است و  
 در آن دو تقری که عدم صحت جریان  
 انتخابات بپرا تصدیق کرده اند بطوریکه  
 عرض شد از انجمن نظارت اخیر هستند که  
 خودشان انتخاب کرده اند . گرچه حالا  
 خواهند فرمود اکثریت تصویب کرده  
 ولی بعد از آنکه محرز شد انحلال انجمن  
 اولیه یک مجوز قانونی داشته است آنوقت البته  
 اگر گفته شود اکثریت تصویب کرده بنده  
 هم حرفی ندارم .  
 رئیس - آقای دولت آبادی پیشنهاد  
 کرده اند چون این صحبت خیلی طولانی  
 است و آقایان وزراء هم برای جواب حاضر  
 شده اند مبارکات آقای امیرزا شهاب

را قرائت بقه این دومین بماند برای  
 جلسه بعد  
 بعضی از نمایندگان خیر باید امروز  
 تمام شود )  
 رئیس - تصویب نمی فرمائید ؟  
 بعضی از نمایندگان رأی بگیرند  
 رئیس - رأی میگیریم . آقایانیکه  
 پیشنهاد آقای دولت آبادی را تصویب  
 میکنند قیام فرمائید  
 (جمعی قیام نمودند)  
 رئیس تصویب شد  
 . سردار معظم - بنده یک پیشنهادی  
 دارم ممکن است تقاضا کنم که جلسه امروز  
 عصر باشد ؟  
 رئیس در موقعی که می خواهم جلسه  
 را ختم کنیم دستوراً معین نمائیم آن  
 وقت پیشنهاد فرمائید  
 وزیر معارف پارسل در ضمن بودجه  
 وزارت معارف بطور معمول سنواری تصویب  
 شده بود که حقوق بعضی از مدیران معارف  
 و ناظمین علاوه حق التدریس بآنها داده  
 شود چون بطوریکه معمول سنواری بوده  
 آنها یک قسمت حقوق مدیری و ناظمی  
 داشته اند و یک قسمت هم حق التدریس  
 داشته اند و همینطور بودجه تنگنویز  
 تصویب شده و چند ماهه پرداخته شده  
 است بعد در موقع عمل وزارت مالیه اشکال  
 کرده است که بمدریان و ناظمین حق  
 تدریس نیشود داد زیرا آن یک مشکل  
 دیگری است ولی در هر حال مطلب  
 را بموکل با افتتاح مجلس شورای ملی  
 کرده اند که بعد از افتتاح مراتب بمجلس  
 عرض شود و تا بروج بعدی راهم داده اند  
 بعد در آنوقت که مجلس شورای ملی  
 مفتوح شد وزارت مالیه آنچه را که میتوان  
 حق التدریس میپرداخته بود از حقوق بم  
 براج اخیر آنها کسر کرده است البته  
 تصدیق میفرمائید که حقوق آنها مطابق  
 بودجه سنوات گذشته بآنها میرسد اگر  
 وزارت مالیه قیلاً تذکره داده بود که این  
 حقوق را نمی شود داد از اول سال ممکن  
 بود یک چاره کرد ولی مملکت و ناظمین  
 با استناد همان حقوقی بیکه داشته اند  
 مشغول تدریس شده و زحمات خود را  
 کشیده اند در این بصورت جلالاً بیعتاً  
 انصاف نیست بآنکه آنها زحمات بکساله  
 خود را کشیده اند و ادامه داده اند حق  
 تدریس بآنها داده نشود .  
 در بودجه امساله این مسئله پیش بینی  
 شده و امید است دیگر اشکالی پیش نیاید  
 ولی برای سال گذشته وزارت معارف پیش  
 نهادی می کند که مجلس شورای ملی  
 تصویب فرمائید مبلغ چهار هزار و هشتصد  
 سیکسری حق التدریس این چند برج در  
 حق آنها پرداخته شود .  
 رئیس آقای رهنما  
 رهنما عرض میفرماید سئوال بنده راجع به

دستگاه معضی رادیو الکترونولوژی است که  
 کمیته شانزده ماه است وارد طهران شده  
 برای استخراج خاطر آقایان عرض می کنم  
 این دستگاهی که برای عرض شاه دولتی  
 خریداری شده یکی از کارهای بسیار خوب  
 دولت است زیرا بوسیله این ماشین و کتر  
 متحصن آن موفق میشود که خیلی از  
 امراض مهم را تشخیص دهد و برای مباحثات  
 گوناگون و عکس انداختن و تشخیص بعضی  
 از امراض داخلی از قبیل سرطان و غیره  
 این ماشین بسیار مفید است قریب شانزده  
 ماه است که این دستگاه وارد طهران  
 شده و چون یک اسباب هائی دارد که بسیار  
 حساس است و اسباب های او را هم هنوز  
 سوار نکرده اند و همینطور ذرتوی قوطی ها  
 بیچیده شده در گوشه هر یک خانه افتاده و  
 معلوم نیست چه صورتی خواهد داشت  
 دولت دکتر حبیب راکه متحصن  
 این کار بود مأمور خرید این دستگاه گرد  
 و او هم رفت و خرید و در چند قوطی از راه  
 بغداد وارد طهران کرد و از آنوقت تا  
 بحال که شانزده ماه می گذرد ذرتوی قوطی  
 ها مانده و اصلاً معلوم نیست چه صورتی  
 پیدا کرده است در حالیکه اگر این  
 دستگاه را بازمی کردند برای مردم فقیر  
 مخصراً خیلی مفید بود . الان یک  
 دستگاهی خودد کتر حبیب دارد که براه  
 است که در موقع بکار انداختن از قرا  
 بیست تومان حق المعالجه می گیرد در صورتی  
 که آن دستگاه را اگر سوار کنند شاید  
 سه چهار تومان باید بدهند و همان قدر کتر  
 متحصن اینکار مدعی است که اگر این  
 دولت در مرض خانه بکار بیفتد اغلب از  
 امراض که بیشتر قرا مبتلا هستند و به  
 خوبی و پروردی معالجه میشود و در آنوقت  
 دولت بوجب تلگرافات خود دکتر حبیب  
 را برای اینکار استخدام کرد و قرار شد  
 او را اکثریت کند بنده سئوال آقای وزیر  
 معارف سئوال میکنم که در بانه این ماشین  
 که بالغ بر بیست هزار تومان وارد طهران  
 شده است چه تصمیمی اتخاذ کرده است  
 آیا همانطور در قوطی ها بیچیده شده  
 است یا او را باز کرده و بکار انداخته اند  
 وزیر معارف - همانطور که نظایند  
 محترم فرمودند این ماشین تقریباً بیست ماه است  
 وارد شده است و از برای بیچیده شدن  
 میباید که در مرض خانه دولتی است و بیست  
 و پنج هزار تومان هم وارد شده نه بیست  
 هزار تومان .  
 بنده از معسرات این ماشین چیزی  
 عرض نمیکنم اینکه یک قسمت را خودشان  
 فرمودند و یک قسمت را هم در ضمن عمل  
 باید دید و خودد کتر حبیب هم یک همچو  
 ماشین دارد - ولی ماشین دولت حق المعالجه  
 مکمل است و مفید خواهد بود